

# حرفا

فصلنامه انجمن اسلامی دانشجویان  
دانشگاه الزهراء(س) / سال چهارم /  
شماره ۱۵ / پاییز ۱۴۰۰ / صفحه ۴۴



زنان؛ در زیر چتر  
حمایت قانونی



ردّپای اشتغال  
بر روان زنان



سرطان تخمدان؛ این  
بیماری مرموز

مصاحبه با سرکار خانم زهرایی رئیس  
مرکز مشاوره دانشگاه الزهراء(س)

# حوا

## فهرست:

سخن سردبیر .....	۲
زنان؛ از اشتغال سنتی تا مدرن .....	۴
اشتغال با چه انگیزه‌ای؟ .....	۶
سقف شیشه‌ای .....	۸
شاغل باشیم یا مادر؟ .....	۱۰
نگاه پوسیده .....	۱۲
زنان؛ بر سر دو راهی مسئولیت‌ها .....	۱۴
زنان؛ در زیر چتر حمایت قانونی .....	۱۶
اشتغال زنان با عینک فقه .....	۱۸
اشتغال فارغ از جنسیت .....	۲۰
سلامت روان بانوان شاغل .....	۲۲
خانواده ایده‌آل .....	۲۴
ردپای اشتغال بر روان زنان .....	۲۶
اشتغال اهرم فشار .....	۲۸
بازی اشتغال با سلامت جسم .....	۳۱
سرطان تخمدان؛ این بیماری مرموز .....	۳۲
معرفی کتاب «زنان شاغل مادران فداکار» .....	۳۵
شکست برای او بی معنی است .....	۳۶
ساختار شغلی در ظاهر فاقد تبعیض و مانع .....	۳۸
الغیای شاغل مادر .....	۴۱

# سازمان علمی-فرهنگی

حوا اولین فصلنامه علمی-فرهنگی دانشگاه الزهراء(س)  
در حوزه ی زنان و خانواده

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه  
الزهراء(س) عضو اتحادیه انجمن های اسلامی  
دفترتحکیم وحدت


مدیر مسئول: ام البنین وکیل زاده  
سردبیر: نرگس عابدینی


نویسندگان: ریحانه اسماعیلی، فاطمه اشرفی، سمانه  
احمدی، الهام آقابابایی، مریم امیرخانلو، فاطمه بک  
دولتی، مطهره بهزادی، کوثر پاریزی، فاطمه ثابتی  
نژاد، کیمیا دهنوی، ساغر رحیمی، سمیرا رحمتیان،  
زهرا سرپاک، کوثر شعبانی، نرگس عابدینی، زهرا  
غنی آبادی، رعنا قبله، مهدیه سادات موسوی

استاد مشاور: دکتر الهام شریعتی  
ویراستار: زهرا عظیمی  
صفحه آرا: مرضیه انبری

با تشکر از سرکار خانم زهرا صدری که ما را در انتشار  
این شماره از نشریه همراهی کردند.

شماره تماس: ۰۹۰۳۹۶۹۳۴۹۷

 @anjomanalzahra  
@havva\_mag

 @anjoman\_eslami\_alzahra  
@havvamag





## سخن سردبیر:

# شغل نامناسب با خصوصیات زنان، ظلمی در ساختار کار است



نرگس عابدینی-سردبیر  
مطالعات خانواده

ایشان از منظر اجتماعی بهتر عمل کرده‌اند. همچنین به علت تجربه کافی در شرایط سخت شغلی، در بستر خانواده هم می‌توانند از این برگ برنده استفاده نمایند و برای مشکلات، راه حل‌های سریع و منطقی ارائه دهند. بطور طبیعی شغل متناسب با شخصیت، بهترین فرصت برای شکوفایی، توانایی و استعدادها بالقوه است.

در مشاغل سطح بالا، شاهد آثار مثبت در بستر خانواده و جامعه هستیم زیرا اشتغال زنان در چنین زمینه‌هایی موجب بالا بردن آگاهی اجتماعی و فرهنگی فرزندان و تربیت درست آنها و شکوفایی استعدادها می‌شود. حضور زنان در مشاغل سطح بالا می‌تواند کمک شایانی به درک و حل مسائل زنان کند؛ همچنین به علت توانایی دانش و قدرت مدیریتی که زنان شاغل در این سطح دارند خانواده و جامعه در زمینه‌های گوناگون تاثیرات مثبتی را دریافت می‌کنند. البته متأسفانه در مشاغل سطح بالا که دارای مسئولیت کاری زیادی هستند و باید وقت و انرژی بسیاری صرف شود، ممکن است که گاهی خانواده در الویت دوم قرار گیرد و شاهد آسیب‌های پیدا و پنهان در بستر خانواده باشیم.

زنان در مشاغل نامتناسب، با مشاغلی روبه رو هستند که ماهیتی خشن و دشوار دارند یا مشاغلی که صرفاً برای جذب مشتری و کسب سود اقتصادی، از جذابیت‌ها و مهارت‌های ارتباطی قوی زنان سوء استفاده می‌کنند و توجهی به کرامت و عزت زنان می‌شود. در چنین مشاغلی آنطور که باید مسائل دینی و عرفی در تعاملات رعایت نمی‌شود و موجب آسیب و مشکلاتی در زمینه اجتماعی خواهد شد. اشتغال زنان در مشاغل مردانه باعث می‌شود تا زنان روحیه مردانه پیدا کرده و دیگر نتوانند آن رفتار و احساسات ظریف خود را در بستر خانواده داشته باشند چنین مشاغلی باعث پیری زودرس، بیماری و آسیب جسمی می‌شود.

زنان نسبت به درصدی که از جمعیت به خود اختصاص داده‌اند، از نقش و حضور کم‌رنگی در بخش‌های مختلف جامعه برخوردار هستند. علت آن، مرتبط با عدم دسترسی یا نابرابری در امکانات، برخی تبعیض‌های اجتماعی و عدم نگرش یکسان و فراگیر به مسائل زنان است. لکن در دهه‌های اخیر شاهد روندی متفاوت هستیم و زنان دارای نقش برجسته‌تری نسبت به گذشته هستند؛ زیرا مشارکت بانوان در مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و استفاده از توانمندی و استعداد زنان در این بسترها به شدت حائز اهمیت است.

حال با حضور زنان در عرصه کار و اشتغال، آنها در یکی از دو دسته کارهای متناسب و نامتناسب با خصوصیات جسمی و روحی خود مشغول به کار می‌شوند. مبرهن است که در صورت درخور بودن شغل با ابعاد شخصیتی افراد، آرامش روانی خواهند داشت و با رضایت کامل به شغل خود می‌پردازند.

در مشاغل سطح پایین، معمولاً زنان بدسرپرست و بی‌سرپرست به علت مسئولیت چند برابر نسبت به دیگر زنان و ناهنجاری‌هایی که در مدیریت خانواده ایجاد می‌کند مشغول به کار می‌شوند. این نوع مشاغل دانش و توانایی خاصی را لازم ندارد و صرفاً جنبه مالی آن مدنظر است. با سوءمدیریت‌هایی که رخ می‌دهد، مشکلاتی نظیر ساعت کاری زیاد و دستمزد نامتناسب با کار، نداشتن بیمه، اخراج بی دلیل و عدم مناسب بودن محیط کاری بر زنان تحمیل می‌شود و مسئولین مربوطه باید در برابر ظلم و بی‌عدالتی‌ای که صورت می‌گیرد از زنان حمایت کنند و در الویت کاری خود قرار دهند.

مشاغل سطح متوسط با روحیات زنان سازگاری بیشتری دارند زیرا این مشاغل همخوانی بسیاری با شخصیت آنها دارد. این مشاغل در جامعه به عنوان مشاغل مناسب پذیرفته شده‌اند و زنانی که از شغل خود رضایت دارند در مسائل مربوط به تربیت فرزندان و پرورش

### مقام معظم رهبری:

ما با اشتغال بانوان مخالف نیستیم بنده خودم نه با اشتغال‌شان نه با مدیریت هایشان مخالفتی ندارم... یکی از کارهایی که در این زمینه سوم که عرض کردیم باید انجام بگیرد طبعاً این است که نگاه کنند ببینند آن مشاغلی که متناسب با این خصوصیت زن است چیست بعضی از مشاغل هستند که متناسب با ساخت زن نیست خوب اینها را دنبال نکنند و خلاصه این را که زن نتواند همه مشاغلی که مرد بر عهده می‌گیرد به عهده بگیرد نباید آن را ننگ دانست یا نقص دانست آن چیزی بد است که متناسب با طبیعت الهی [نباشد].

# سرویس جامعه‌شناسی:



# زنان؛ از اشتغال سنتی تا مدرن

بررسی تاریخچه اشتغال زنان از دیرباز تا امروز



مهدیه سادات موسوی  
فلسفه و حکمت اسلامی



تاریخ گواهی می‌دهد مسئله مشارکت فعال زنان در کارهای تولیدی و به طور کلی فعالیت‌های اقتصادی جوامع بشری ریشه‌ای آنچنان کهن دارد که در واقع می‌توان آن را آمیخته با زندگی انسان به شمار آورد؛ اما در بسیاری از جوامع و از جمله جامعه ایران امروز، وقتی از اشتغال زنان سخن به میان می‌آید ذهن‌ها ناخودآگاه به سوی شغل‌های محدودی از قبیل پرستاری، معلمی، منشی‌گری و ... سوق پیدا می‌کنند. گویا زن به غیر از اینها، شغل‌های دیگری را نمی‌تواند انجام بدهد.

زندگی شهری ایجاب می‌کند که تقریباً تمامی مردان و زنان کار کنند. با توجه به آمارهای وزارت کار و امور اجتماعی، زنان در اکثر مشاغل و در کلیه بخش‌های اقتصادی کشور، صنعت، کشاورزی و خدمات اشتغال دارند اما به علت پایین بودن نسبت شاغلان زن به مرد آنها هرگز نتوانسته‌اند خود را مطرح کنند.

با وجود روشن و محسوس بودن نقش زنان در کارهای روزمره زندگی اعم از اداره امورخانه، خانواده، انجام وظایف خانه‌داری و تربیت صحیح فرزندان، واقعیتی غیرقابل انکار وجود دارد و آن نقش حساس و سرنوشت ساز آنها در امر اشتغال و حضور اجتماعی و فرهنگی در جامعه است که متأسفانه حضورشان در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور کمتر به چشم می‌آید.

با این حال موضوع اشتغال زنان موضوع جدید و تازه‌ای نیست بلکه از همان جوامع ابتدایی بشری قسمت اعظم پیشرفت‌های اقتصادی و فرهنگی به دست آنان انجام می‌گرفت. زمانی که مردان به جنگ می‌رفتند، زنان از پارچه‌بافی و حصیربافی گرفته تا کوزه‌گری، ساختمان‌سازی، کشاورزی، پشتیبانی از رزمندگان، تجارت، اهلی کردن حیوانات و ... را بر عهده داشتند.

در جوامع بدوی، وظایف مخصوصی همچون نگهداری از آتش، جست‌وجوی ریشه‌های خوردنی نباتات، جمع‌آوری میوه‌های وحشی، کشاورزی در زمین‌های رسوبی و ... به عهده‌ی خانم‌ها بوده است. در چنین جوامعی، زن است که کارهای قبیله را اداره می‌کند. همچنین، فعالیت کشاورزی، بذر افشانی، ساخت ظروف و وسایل زندگی بر عهده‌ی آنها بود. در حالی که در غرب، حضور زنان در امور اقتصادی بیش از نقش زایشی آنان مورد توجه و اهمیت بود.

در گذشته ای نه چندان دور، وظیفه اشتغال در خانه و بیرون از خانه، در دستان پرقدرت بانوان بود. در آن زمان زن به عنوان جنسیت درجه دوم مطرح نبود، بلکه موجودی فعال و درجه اول محسوب می‌شد و اشتغال و

فعالیت او در خارج از خانه برایش مشکل ساز نبود ولی وضع به همین منوال نماند.

به تدریج با پیشرفت کشاورزی جنس مرد که قوی‌تر بود دایره تسلط خود را بر خانواده گسترش داد و حتی کشاورزی را که در دست خانم‌ها بود، به خاطر قدرت بدنی قوی خود از دستشان بیرون آورد و حتی حیواناتی که زن آنها را اهلی کرده بود را در زراعت بکار گرفت.

بدین ترتیب بود که آنها از دایره فعالیت اقتصادی و کشاورزی بیرون رانده شدند و تولید اقتصادی و اجتماعی خود را منحصر به تولید نسل و کار در خانه کردند که در نتیجه حقوق و جایگاه اجتماعی‌شان یکسره به نابودی کشیده شد.

جدا شدن زنان از کار و فعالیت اجتماعی و اقتصادی موجب شد که نیروی آنها روز به روز به تقلیل رود.

با این حال، به تدریج با گذشت زمان و پیشرفت جوامع و با زیاد شدن مشکلات اجتماعی، بالا رفتن هزینه‌های زندگی و رشد بینش‌های فلسفی واقع‌گرا، حضور زنان در عرصه فعالیت اجتماعی بار دیگر محسوس شد تا جایی که امروزه، جامعه شناسان و اقتصاددانان، یکی از نشانه‌های پیشرفت هر جامعه‌ای را وضعیت اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی و نوع نگرش آن جامعه به بانوان می‌دانند.

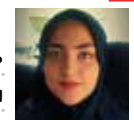
بر اساس تحقیقات، خانم‌ها در هر کشوری نسبت به آقایان ساعات بیشتری را در روز کار می‌کنند. با وجود این در جامعه جهانی تنها کاری به حساب می‌آید که مستقیماً منجر به کسب درآمد شود و به همین دلیل در آمارهای دولتی اکثریت خانم‌ها بیکار تلقی می‌شوند و درصد ناچیزی از آنها کارگر و کارمند به حساب می‌آیند.

زنان یک خانواده را می‌سازند و اگر در امور جامعه مشارکت نداشته باشند، نمی‌توانند به خوبی تجربه خود و فرهنگ جامعه را به نسل آینده منتقل کنند. اما متأسفانه به کم دیده شدن عادت کرده‌اند و خودشان را باور ندارند؛ در نتیجه کمتر در مشاغل حضور پیدا می‌کنند. همچنین حضور کنونی آنها در امور جامعه نیز تنها به دلیل اصرار و تلاش بوده و هیچ اقدامی برای رفع موانع اشتغال آنها انجام نشده و نوعی عدم تعادل اجتماعی در کشور حاکم شده است که مسئولین باید از این موضوع نگران باشند، زیرا عدم تعادل اجتماعی دارای تبعات نامناسب خاص خود است. یکی از این اقدامات قرار دادن درصدی از نیازمندی یک شغل برای بانوان است در صورتی که در حال حاضر اکثر مشاغل تنها برای جذب نیروی مرد تلاش می‌کنند.



# اشتغال با چه انگیزه‌های؟

## بررسی انگیزه و دلایل اشتغال بانوان



مطهره بهزادی  
ادیان و عرفان

بیشتر می‌شود .

**ج) مسائل ناشی از طلاق:** بالا رفتن آمار طلاق و تجرد زنان، موجب شده است که دختران جوان رغبت کمتری نسبت به امر ازدواج نشان بدهند و یا پس از ازدواج نگرانی‌های زیادی در رابطه با موضوع طلاق داشته باشند. بنابراین زنان نسبت به چگونگی تضمین آینده اقتصادی خود بیمناک و مضطرب هستند و به درآمدزایی، و به ویژه مشاغل ثابت و اداری تمایل نشان می‌دهند.

**د) مشکلات اقتصادی:** با افزایش فشارهای اقتصادی و تورم، فقر گسترش می‌یابد، در نتیجه گروهی از زنان، صرفاً برای حل مشکلات مالی به اشتغال روی می‌آورند. معمولاً این بانوان در مشاغلی که به تخصص کمتری نیاز دارد و نیز درآمد پایین‌تری هم دارد جذب می‌شوند. با توجه به اینکه نظارتی بر این امر وجود ندارد و کارفرما نیز از نیاز کارگر زن به کار، آگاه است، امکان اعمال ظلم، خشونت و عدم رعایت انصاف نسبت به این گونه زنان وجود دارد.

### ۲- استقلال مالی

داشتن استقلال مالی از جمله دلایل مهم بسیاری از خانم‌ها برای یافتن کاری درآمدزا می‌باشد. مطلوبیت این مؤلفه، یعنی کاسته شدن وابستگی زن به سایر اعضای خانواده از جمله همسر، خود ناشی از عوامل دیگری است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از: نگرانی برای تضمین آینده فرزندان، تأمین آینده روانی خود، انجام برنامه‌های مستقل اقتصادی اعم از خرید، سرمایه‌گذاری یا شرکت در امور خیریه، تلاش برای جلب رضایت اطرافیان و هم‌سو بودن با خواسته‌ها و ارزش‌های عرفی جامعه و ...

### ۳- میل به حضور در اجتماع

در سال‌های اخیر، گسترش دیدگاه فمینیستی و تمایل به انجام کارهای مردانه توسط زنان که محصول ورود فرهنگ غربی به جامعه ما است، ارزش حضور در منزل را کاسته و زنان را برای

امروزه شاغل بودن زنان، یکی از مسائلی است که در اجتماع مطرح است و زنان به علل گوناگون به سوی کار و اشتغال روی می‌آوردند و حتی مجبور گشته‌اند علاوه بر مسئولیت‌های خود در خانه و تربیت فرزندان، مسئولیت‌های اجتماعی را پذیرا گردند. در اینجاست که ما با قشری به عنوان «زنان شاغل» رو به رو می‌شویم. افرادی که در دو جبهه مهم یعنی جامعه و خانواده مشغول خدمت و انجام وظیفه می‌شوند. زنان ممکن است به دلایل و توجیهات متعددی تمایل به اشتغال داشته باشند، که می‌توان آنها را تحت عناوین فردی و اجتماعی تقسیم‌بندی نمود.

### ۱- دلایل فردی

**۱- نیاز مالی:** انگیزه‌های متفاوتی وجود دارند که باعث احساس نیاز مالی در خانم‌ها می‌شوند، البته این احساس گاه حقیقی و گاهی کاذب است. از جمله دلایلی که موجب بروز احساسات کاذب می‌شوند را می‌توان چشم و هم‌چشمی و توسعه مصرف‌گرایی دانست. در عین حال نیز، مشکلاتی از قبیل طلاق و فقر و ناتوانی اقتصادی خانواده از عوامل حقیقی ایجاد نیاز مالی در بانوان محسوب می‌شوند.

**الف) چشم و هم‌چشمی:** در دهه‌های اخیر غالب شدن الگوهای رفاه و توسعه‌گرا بر اساس شاخص‌های جهان مادی، سبب رواج فرهنگ مقایسه و چشم و هم‌چشمی در ایران شده است.

**ب) توسعه مصرف‌گرایی:** هرچند فرار از فقر و کمک به اقتصاد خانواده یکی از دلایل روی آوردن زنان به اشتغال است، لیکن اشتغال بسیاری از زنان متأهل در کشور ما به دلیل نیاز اقتصادی نبوده، بلکه در جهت دست یافتن به رفاه بیشتر بوده است. همچنین آمارها نشان می‌دهد که گرایش زنان طبقه متوسط و بالاتر از طبقه متوسط به اشتغال، بیش از طبقات ضعیف بوده و با افزایش درآمد خانواده‌ها، موافقت با کار زنان

حضور در اجتماع ترغیب کرده است. دلایل دیگری مانند: نیاز به رشد اجتماعی، تلاش برای همسریابی در اجتماع، کاهش تسلط مردان از جمله پدر و همسر در زندگی خانوادگی، فرار از کارهای یکنواخت خانه و کسب منزلت اجتماعی نیز به عنوان دلایل فردی دیگری برای اشتغال زنان به شمار می‌روند.

### ۱- دلایل اجتماعی

دسته دیگری از دلایل و انگیزه‌های مشوق بانوان برای ورود به عرصه اشتغال، دلایل اجتماعی است که از اهم آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

**۱- وجود مطلوبیت برای کارفرما:** ویژگی‌های روحی زنان در اطاعت از کارفرما و پذیرش مسئولیت‌ها و انعطاف‌پذیری آنان سبب شده است که تقاضا برای جذب آنها در بسیاری از مشاغل زیاد باشد.

حضور هرچه گسترده‌تر زنان در عرصه‌های اقتصادی، عرضه در بخش نیروی انسانی را افزایش می‌دهد و به تبع آن نرخ دستمزد کار کاهش خواهد یافت. بنابراین محصولات تولید شده با قیمت نسبتاً ارزان‌تری به مشتریان ارائه می‌گردند و رقابت صاحبان کالا و خدمات برای به دست آوردن بازار، با ارائه محصولات ارزان‌تر رونق می‌گیرد.

متأسفانه گاهی دیده می‌شود که بعضی از کارفرمایان ترجیح می‌دهند با اخراج کارگران مرد که طبق ضوابط قانونی هزینه‌های مختلفی از جمله بیمه و حق عائله مندی را بر کارفرما تحمیل می‌کنند، زنان و دختران مجردی را به کار بگبرند تا با دستمزد کمتر، همان فعالیت را انجام دهند. این در حالی است که معمولاً طرفداران حقوق زنان در نهادهای دولتی و غیردولتی نسبت به تضييع حقوق زنان و اجرایی نشدن قانون حداقل دستمزد و بیمه‌کارگری، سکوت اختیار

می‌کنند تا مبدا انگیزه کارفرمایان برای جذب زنان در بازار، کم شده و رتبه ایران در تراز شاخص‌های توسعه پایدار کاهش پیدا کند. همچنین جذابیت‌های ظاهری و اخلاقی زنان که در جلب مشتری‌های بیشتر، تأثیرگذار است از دیگر عواملی است که کارفرمایان را به سمت استخدام نیروی زن ترغیب می‌کند.

**۲- افزایش زنان تحصیل‌کرده:** افزایش زنان تحصیل کرده‌ای که برای تحصیل و گرفتن مدرک، هزینه‌های هنگفتی را متحمل شده‌اند، مطالبات این قشر را برای حضور در صحنه‌های اقتصادی فزونی داده است. از این رو پیوسته میان رشد تحصیلات دختران و تقاضای ورود به بازار کار، نسبتی معنادار یافت می‌شود.

**۳- رواج مصرف‌گرایی:** نظام سرمایه‌داری برای بقاء به توسعه مصرف وابسته است و مصرف بیشتر در گروهی این است که مصرف‌کننده از درآمد خوب و کافی برخوردار باشد. فراخوان بیشتر زنان به حضور در عرصه‌های اقتصادی در مدل اقتصاد سرمایه‌داری با هدف تشویق خانواده‌ها برای تحصیل درآمد بیشتر و به تبع آن مصرف بیشتر است.

**۴- عدم وجود مکانیزم‌های حمایتی از زنان:** بدیهی است که در سیاست‌های مربوط به اشتغال، زنانی که سرپرست خانوار هستند می‌بایست از جایگاه و حمایت‌های ویژه و مهمتری نسبت به مردان برخوردار باشند، لذا همواره از جمله سیاست‌های حمایتی دولت، ایجاد زمینه‌های اشتغال پایدار برای زنان سرپرست خانوار بوده است.

عدم حمایت از این دسته از زنان و نداشتن پشتیبانی مناسب از آنها برای ایفای بهتر نقش‌های خانوادگی و توجه به سایر ابعاد زندگی موجب ورود ناگزیر ایشان به بازار کار و در نتیجه ایجاد آسیب‌های ثانویه اجتماعی خواهد شد.



مشخصا هنجار منطقی این است که زن یا کنار کار، مسئولیت خانواده را نیز کماکان مثل گذشته بر دوش خود حمل کند و تمام حقوق و البته نفقه سهم زن باشد یا هم پول و هم مسئولیت های خانه هر دو تقسیم گردد.

آنچه به عمل ثابت شده این است که در اکثر مواقع دو حالت بالا رخ نمی دهند. مثلا مشاهده می کنیم که چون زن شاغلی نم تواند از فرزند کوچکش نگهداری کند، جامعه و خانواده ای او، مسئولیت را به طور پیش فرض بر گردن مادر بزرگ مادری فرزند می بیند. یا اگر زن آموزگار باشد، چون ساعت کاری او صبح تا ظهر است؛ و رای فشار روانی و خستگی ای که بعد از کار بر او رخنه می کند، توقع می رود تمام مسئولیت بچه ها همچنان بر دوش مادر باشد. اگر مادری تصمیم به درس خواندن بگیرد خیلی ها معتقدند این تصمیم خودش است و باید پای آن بایستد. بدین معنا که وظایف او همسان است با مادری که وقت آزادتری دارد.

با وجود آنکه بر هیچکدام از ما پوشیده نیست، مطالعه و تحصیل مادران تنها برای خود مادر مفید نیست بلکه مادران فرهیخته چه آنان که تحصیلات آکادمیک دارند، چه آنان که دوره های آزاد فنی و هنری را می گذرانند و چه آنانی که مطالعه ای آزاد دارند؛ قطعاً کودکان بهتری تربیت می کنند.

همچنین دیگر مشکلی که عموم زنان شاغل در جامعه با آن دست و پنجه نرم می کنند، مفهومی است به نام «سقف شیشه ای». همه ای ما شاهد آن هستیم که مردان از تایید پذیری اجتماعی بیشتری نسبت به زنان برخوردارند. غالباً اگر قرار باشد یک جامعه برنده ای بین یک زن و یک مرد مشخص کند می بینیم که مردان را محق تر می دانند، حال چه در زمینه آشنیزی باشد، چه دوخت و دوز چه رانند ماشین. این جامعه ای داور، تشکیل شده است از زنان و مردان. اما چرا همه ی آنان مردان را برنده تر می بینند؟

شاید این نگرش مرسوم در جامعه برخاسته از سرکوب زن در نسل های قبلی باشد. مادرانی که پسرانشان را به گونه ای پرورش داده اند که خود را محق تر از زنان ببینند و دختران خود را به گونه ای که یا باور به بُرد نداشته باشند یا تنها زنی که لایق بُرد می بینند خودشان باشد. چه به جا است که بگوییم: جامعه ای آگاه را مادران آگاه پرورش می دهند.

اینکه این نگرش از کجا آمده برای ما مهم است؛ چون اگر بخواهیم آن را از بین ببریم؛ باید به نقطه ی شروع برگردیم. با این حال احتمال آن می رود که حدس نویسنده اشتباه باشد و ریشه در جای دیگری داشته باشد.

در هر صورت محق ندانستن زنان برای برد؛ سقفی ساخته، شیشه ای و نامرئی. آنچه مسلم است وقت آن رسیده که این سقف فرو ریزد چون اگر زنی با وجود تمام مشکلات نقل شده در این مقاله، خودش را به جایگاه بالایی برساند؛ قطعاً لایق تر از آن کسی است که این مشکلات را نداشته است.

این روز ها، لشکر بزرگی از فمینیست های جهان؛ در تلاش هستند تا نشان دهند سقف شیشه ای یا وجود ندارد یا اگر وجود دارد با استفاده از تبلیغات رسانه ای در حال فروپاشی است. مشکل اینجاست که بله فرو ریخته و می ریزد اما نه برای همه ای جامعه بلکه تنها برای زنانی که وارث پول و ثروت هستند و جالب آنکه احتمالاً پدران همین دختران همچنان مایل هستند این سقف پابرجا باشد.

با یک نگاه کوتاه به مشکلات پیش روی زنان شاغل، به سادگی پی می بریم این مشکلات بیشتر معطوف به تناقضی است که جامعه در بین مادر بودن و شاغل بودن قائل می شود. حتی اگر این مشکلات بر سر راه دختران مجرد قرار بگیرد نیز در بیشتر مواقع به خاطر حساسی است که بر مادر شدن آنها در آینده باز می کنند. پس چه بهتر که بحث را از مادران آغاز گردانیم. و بعد به ارتباط آن با شاغل بودن بپردازیم.

اگر بخواهیم مشکلات را بیان کنیم از سخت ترین و پیچیده ترین نوع عشق، یعنی مادری؛ بهتر است اول بدان به عنوان پیشه بنگریم. هرگاه چنین کنیم باید در ابتدا جوابگو باشیم کدام شغلی ۲۴ ساعت شبانه روز و هفت روز هفته را در بر می گیرد؛ بی حقوق، بی مزایا و حتی بدون مرخصی. اما آیا مشکل مادران امروزی به همین جا ختم می شود؟

مشکلات مادران نیز همانند بسیاری از بن بسطهایی که امروزه به آنها رسیده ایم؛ ریشه در ویرانی های گذشته دارد. داستان از آنجایی شروع شد که به سبب تحولات پزشکی و تغذیه در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم آدمیان شاهد جهش خوشبختی بودند. اما عمر این خوشبختی خیلی بلند نبود. واضح است که جهش چه مثبت چه منفی به برنامه ی تازه ای نیاز دارد. حالا مردم به زندگی راحت تر عادت کرده بودند و حاضر بودند بهای آن را بپردازند که بهایی نداشت جز کار کردن دو نفر در یک خانواده. پس اجتماع و ادارات ترکیب تک جنسی خود را بر هم زدند؛ که البته به خودی خود مشکل به حساب نمی آمد اما عدم برنامه ریزی برای آن، مشکلاتی را به وجود آورد که در آینده به آن ها اشاره خواهیم کرد.

بیا بیا از جمع بگذریم و برسیم به فرد. سوال این است که چرا یک زن شاغل بودن را به شاغل نبودن ترجیح می دهد؟ یکی از علت های ترجیح زنان به شاغل بودن؛ استقلال مالی چه برای دختران مجرد، چه مادران مجرد و چه همسر مردان شاغل بوده است. برای دو مورد اول نیازی به ذکر دلیل نیست اما در مورد همسر مردان شاغل باید گفت: در شرایطی که قانون از یک زن متاهل در مقابل همسرش حمایت نمی کند؛ ترس به ناگهان از دست دادن همه چیز او را وادار می کند حتی با وجود ایراداتی که به مادر بودن او و یا همسر بودنش وارد می کنند، مشغول به کار شود. بار وارد شدن چنین ایراداتی به زندگی او هیچوقت کم نبوده و کم نخواهد بود؛ حتما همه ای ما تا کنون زنان شاغلی را دیده ایم که مسئولیت خانه را درست به اندازه ی زنان غیرشاغل بر دوش می کشند و هم زمان همچون مردانی که به طور سنتی نان آور خانواده معرفی می شوند در اجتماع حضور می یابند. برای همین، وقت آن رسیده که به جای طرح های ارائه شده برای بچه ی بیشتر، اول دل مادر بچه را بدست آوریم و خیالش را آسوده کنیم. از آنجایی که حقوق در خانواده موضوع بحث این مقاله نیست، تنها برای اثبات این ادعا اشاره ای کوچک به پامال شدن حق مهریه و حق اجرت المثل می کنم.

اما بپردازیم به مادرانی که در میان این دوراهی بزرگ، شاغل بودن را به شاغل نبودن ترجیح می دهند. در اینجا است که دیگر نمی توان با هنجارهای قدیمی تکلیف دخل و خرج و کارهای خانه را مشخص کرد. متأسفانه هنوز هم دست کم در کشور عزیزمان ایران، هیچ هنجار جدیدی در این مورد پذیرفته نشده است.



سقف

تسهیل‌های

بررسی برخورد اجتماع با فرهنگ اشتغال بانوان





# شاغل باشیم یا مادر؟

## اشتغال بانوان و تاثیر آن بر کنترل جمعیت



سمانه احمدی  
مهندسی صنایع

است که نرخ مشارکت اقتصادی در بین مردان ۶۴.۸ درصد و در بین زنان نیز ۱۶.۱ درصد است که نشان می‌دهد اشتغال زنان در مقایسه با نرخ افراد داری تحصیلات تکمیلی به نسبت آقایان بسیار کمتر است.

جدا از بحث مقاومت ادارات و سازمان‌های دولتی و خصوصی، برای استخدام زنان و مشکلات مربوط به حقوق پایین، مرخصی‌های کم، فشار کاری بالا و مناسب نبودن محیط‌های کاری برای حضور فعال زنان، مسئله‌ای که در هنگام تصویب قوانین کاری زنان در مجلس مطرح می‌شود بحث مشکلات خانوادگی است که اشتغال زنان می‌تواند موجب کوتاهی در مسئولیت همسری و به تبع آن مادری شود به این علت که زنان شاغل نه زمانی برای فرزند آوری و نه اشتیاقی برای تربیت فرزندان خود دارند که این قضایا می‌تواند تاثیرات منفی بر جمعیت کشور بگذارد.

ولی مسئله اصلی اینجاست که اگر حضور زنان در محیط کار می‌تواند باعث خلل در انجام وظایف همسری و مادری شود پس چرا رشته‌های دانشگاهی‌ای برای آنان تعریف شده است که ادامه تحصیل در آن ملزم به ورود فرد به محیط کاری است و در صورت پیدا نکردن کار می‌تواند باعث بروز مشکلات روحی از جمله افسردگی، حس بی‌ارزشی و پوچی برای آنان خواهد شد؟ آیا در هنگام پذیرش دانشجویان در رشته‌های دانشگاهی هم به این مسئله توجه شده است؟ اصلاً طبق کدام پژوهش، شرع، منطق و تحقیق مسئولین

این قضایا را مطرح می‌کنند؟ دلیل کاهش جمعیت کشور فقط اشتغال زنان است؟

بسیاری، معتقد هستند که مشکل جمعیت اقتصاد است، طبق یک نظرسنجی از خانم‌های کارمند که حدود ۲ تا ۳ فرزند داشتند پرسیدند که اگر برنده یک قرعه‌کشی گران قیمت شوند حاضر به فرزندآوری هستند؟ یکی از خانم‌ها گفت میلیاردها تومان هم بدهند دیگر بچه نمی‌آوریم! بیش از ۲ تا ۳ فرزند برای خانواده‌ها ضدارزش شده است. این مسئله بیانگر این است که حتی در صورت بهبود شرایط اقتصادی خانواده‌ها ترجیح می‌دهند که مبلمان و اثاثیه منزل را تعویض کنند یا به مسافرت روند تا اقدامی برای فرزندآوری انجام دهند. اما سوال اصلی که باید مطرح شود این است که این ضدارزشی از کجا نشأت می‌گیرد؟ تمایل به مصرف گرایی از کدامین دولت بین مردم رواج پیدا کرد؟

آیا زمانی که قوانین کنترل جمعیت در کشور تصویب شد و درس تنظیم خانواده بعنوان واحدهای دانشگاهی تصویب شد، به تاثیر فرهنگی این مسئله و عواقب خطرآفرین کاهش جمعیت جوان کشور فکر نشده بود؟ اگر فکر نشده بود که نشان بی‌مسئولیتی و کوتاه‌فکری مسئولین دولت بوده و اگر بافکر انجام شده است باید در کنار گفتن مرگ بر آمریکا و



مرگ بر انگلیس در مساجد عاملین نفوذی این کشورها در دولت را شناسایی کنیم! چرا اصل مسئله را فراموش کرده و برای سلب مسئولیت پیگیری آن دستاویز دلایل خانوادگی و روانی می‌شویم؟

آیا طبق راهکارهایی که به تازگی در دولت مطرح شده است بنابر جمع‌آوری لوازم پیشگیری از بارداری یا حمایت و تامین مالی و یا سوبسید پوشک و شیرخشک باعث افزایش جمعیت کشور خواهد شد؟ این تامین مالی و سوبسید با وجود کسری بودجه دولت و عدم توانایی تامین مایحتاج ساده خانواده‌ها اعم از مرغ و تخم مرغ از کجا قرار است صورت گیرد؟ دوستانی که این پیشنهادها را مطرح می‌کنند با اقتصاد و عوامل تورمزایی آشنایی دارند؟ از تحریم ایران و عدم توانایی فروش نفت اطلاع دارند؟ دولت قادر به تامین هزینه‌های خود نیست و علی‌رغم اختلاس‌های میلیاردری در پرداخت یارانه ۴۵ هزار تومنی ملت ایران مانده است، چگونه وعده حمایت از فرزندآوری می‌دهد؟

من مخالف اشتغال زنان نیستم اما باید بازنگری در طرح مسئله کنترل جمعیت شود و با توجه به این سیاست‌گذاری‌ها، شرایط ازدواج برای بانوان دانشجو فراهم نمی‌شود چه برسد به فرزندآوری! ما نیازمند ساماندهی فضای اشتغال و تحصیل زنان هستیم و در یک بعد مسئله باید شرایط را سازگار کنیم که افراد همزمان با تحصیل و اشتغال قادر به فرزندآوری باشند و نکته دیگه اینکه علی‌رغم تفکرات منسوخ فمینیستی باید این مسئله را قبول کنیم که همه مشاغل مناسب زنان نیست! از جمله یکسری رشته‌های مهندسی و دامپزشکی و ... طبق پژوهش‌هایی که انجام گرفته است بیشترین مشکلات روانی را دانشجویان دامپزشکی بعلت فضای مخالف با طبیعت خلقت زنان و خون و کشتار گاوها دارند. بنابراین لازم است تا انتخاب صحیح و تحصیل در رشته‌های متناسب با اشتغال بانوان باید هرچه کامل‌تر امکان‌پذیر شود.

جالب اینجاست که بر خلاف تمام گفته‌های روانشناسی و ادعای نمایندگان مجلس طبق پژوهش‌های انجام شده مشخص شده است که اشتغال زنان خللی در ایفای نقش مادری و همسری نداشته است و حتی مواردی گزارش شده است که افزایش توان مالی زنان باعث تمایل بیشتر آنان به فرزندآوری شده است چرا که تامین هزینه‌های فرزندان راحت‌تر می‌کند. با این حال قضیه مناسب‌سازی محیط کاری حضور زنان و قوانین مرخصی زایمان و ... هنوز پابرجا است که باید توجه ویژه به آن شود.

مسئله مهمی که در آخر این بحث مطرح می‌شود این است که با ممانعت از اشتغال زنان، آیا برنامه‌ای برای زنان سرپرست خانوار و یا زنان بدسرپرست که بضاعت مالی مناسبی ندارند و مجبور به ورود به محیط کار هستند، صورت گرفته است؟ در آخر باید گفت که اولاً مسئله را درست متوجه باید شد و ثانیاً به جای پاک کردن صورت مسئله به دنبال راهکار مناسب برای حل آن باشیم!



# نگاه پوسیده

## اشتغال زنان در جامعه سنتی و مدرن

فاطمه اشرفی

مطالعات خانواده



نقش و حضور زنان در جامعه از موضوعات بحث برانگیز جامعه عصر مدرن است و این برخاسته از دو نوع رویکرد است، رویکرد سنتی و مدرن. کارکردن زنان در خارج از خانه همانند پدیده‌های دیگر اجتماعی از زمانی به زمان دیگر متحول می‌گردد و این تحول می‌تواند مورد مطالعه قرار بگیرد. نگرش‌ها امروزه متفاوت شده است، به طوری که حتی زنان را در مقام و رتبه‌های بالای اجتماعی و سیاسی می‌توان دید که در کنار نقش همسر داری و فرزند پروری، به توسعه و پیشرفت جامعه نیز کمک می‌کنند و دارای حضور مهم و ارزنده‌ای در جامعه هستند. شرایط نسبت به گذشته بسیار تغییر کرده و امروزه اشتغال زنان به مقوله‌ای تبدیل شده که ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارد. برخی از نظریه‌پردازان، اشتغال زنان را از ضرورت‌های جامعه مدرن دانسته‌اند.

در گذشته دامنه فعالیت‌های زنان بسیار محدود و منحصر به تامین نیازهای خانواده بود؛ اما امروزه شرایط تغییر کرده است. با توجه به تحولات گسترده در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه، زنان علاوه بر مسئولیت‌های دیرینه‌ای که در جامعه سنتی برعهده داشتند پذیرای مسئولیت‌های دیگری در بیرون از خانه هستند.

در جامعه سنتی خانواده‌ها تلاش می‌کردند دخترانی خوب و سالم برای زندگی خانوادگی آماده و تربیت کنند و به استعدادها فکر می‌کردند و عملی آنها خیلی کم توجه می‌کردند زیرا تصور ایشان از زن تنها خانه‌داری و تولید مثل بود.

جامعه سنتی فضایی تقریباً بسته و غیر قابل نفوذ برای زنان بود و طرز فکر مردم در سطح پایینی قرار داشت؛ لکن امروزه در جامعه مدرن تفکر عموم تغییر کرده و شرایط مطلوب‌تر از گذشته شده است به طوری که زنان و دختران از مشاغل حرفه‌ای و فنی استقبال می‌کنند و اشتغال زنان طیف‌های متنوعی را در برمی‌گیرد.

در جامعه مدرن یک زن برای ابراز وجود خود دوست دارد که تحصیلات و شغل داشته باشد. فعالیت بیرون از خانه برای دختران جوان بیشتر از گذشته جذابیت دارد و حضور در اجتماع بیشتر از قبل قابل دست یافتن است.

اما از طرفی برخی عقیده دارند که تحصیلات و شغل، فرصتی به

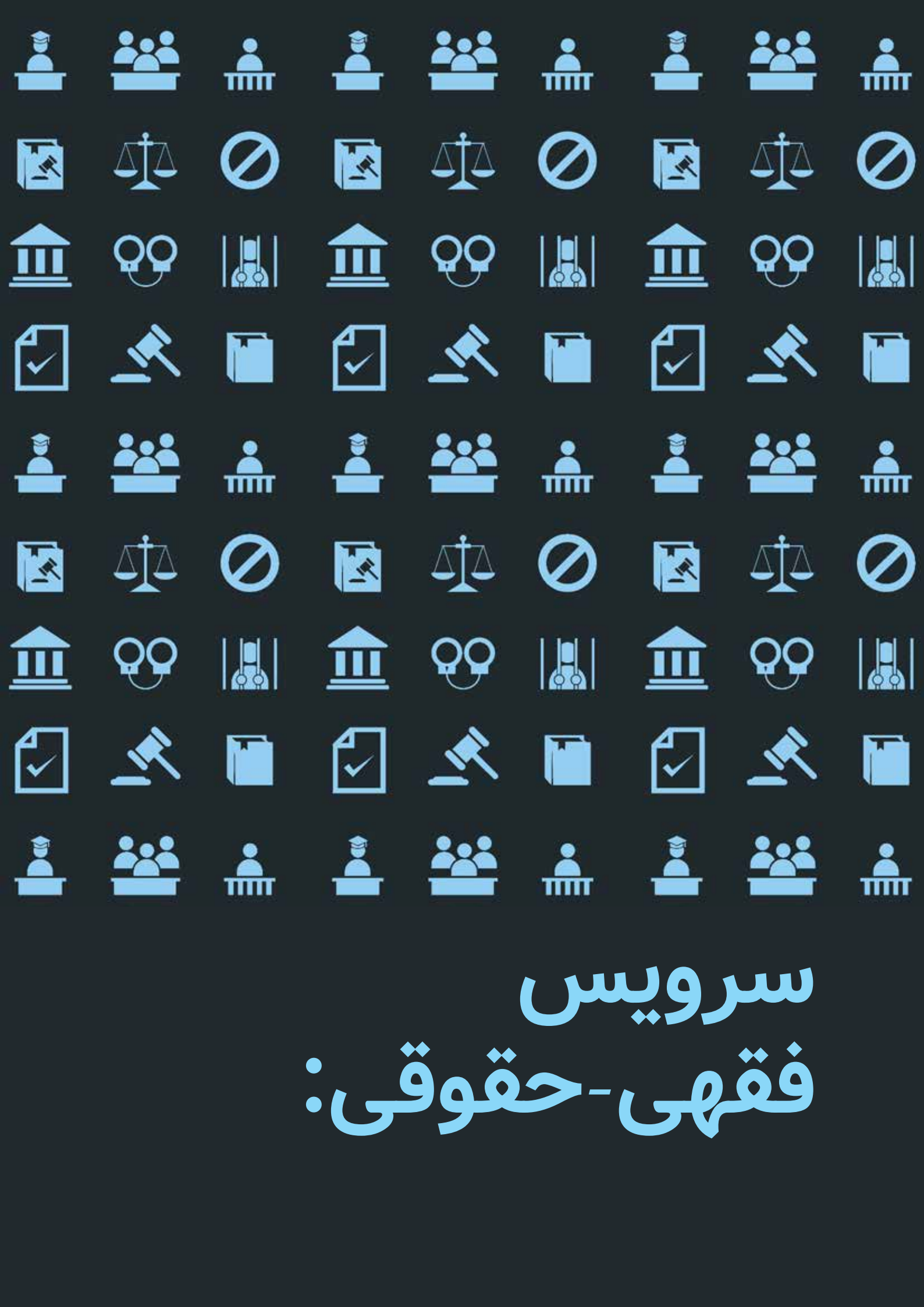
دختران نمی‌دهد تا به شخص خودشان بپردازند. آنها تلاش می‌کنند تا حضور خود را پر رنگ کنند و نظرات منفی نسبت به خود را از بین ببرند و برای این کار انرژی صرف می‌کنند و دیگر برای رشد شخصیت و مهارت‌هایی مثل همسر داری و فرزند پروری ندارند. طبق نظر این دسته از افراد، معنی زن سنتی و مدرن کاملاً غلط است از این منظر که در جامعه ما زن مدرن به زنی اطلاق می‌شود که دارای مهارت اجتماعی، تحصیل کرده و امروزی بوده و در بیرون از خانه به اشتغال مشغول است. این دسته از افراد معتقدند که لازم نیست برای ابراز وجود، زن حتماً در جامعه قرار بگیرد.

یکی از تفاوت زن سنتی و مدرن در این است که در سلسله مراتب قدرت، زن مدرن به دنبال برابری در کار، زندگی و جامعه می‌باشد. در جامعه سنتی زن آزادی عمل زیادی نداشت و فقط کارهای مربوط به خانه داری را انجام می‌داد و امکان حضور در جامعه برای او به راحتی میسر نبود اما در جامعه مدرن زنان قدرت آزادی و انتخاب بیشتری نسبت به قبل دارند.

البته اشتغال در جامعه مدرن هم شرایط خاص خود را دارد به افراد جامعه و شرایط کشور نیز بستگی دارد؛ به طور مثال در اکثر کشورهای صنعتی که تساوی زن و مرد از نظر حقوق اجتماعی شکل قانونی به خود گرفته، مورد توافق اکثریت مردم نیز هست و حدود نیمی از نیروی کار را زنان تشکیل می‌دهند. لذا در این کشورها سوالات و جملاتی مانند: آیا زن می‌تواند شاغل باشد، زنان فقط باید خانه‌داری کنند و جملاتی از این قبیل کمتر مطرح می‌شوند. در واقع دولت‌ها کمک می‌کنند که حتی زنان خانه‌دار نیز بتوانند شاغل شوند پس در نتیجه امور مربوط به خانه مانع اساسی برای شاغل شدن آنان نیست.

اما در برخی کشورهای در حال توسعه که زنان تقریباً نیروی بسیار کمی از کار را تشکیل می‌دهند، پدیده کار زن در خارج از خانه به عنوان یک مسئله اجتماعی و مهم هم در سطح خانواده‌ها و هم در سطح کشور به صورت نسبتاً حادی مطرح است و همه مردم دید بازی نسبت به اشتغال زنان ندارند. با اینکه در جامعه‌ای مدرن زندگی می‌کنیم اما همچنان افراد و خانواده‌هایی با سطح فکر پایین وجود دارند که نقش زن را در حد همان جامعه سنتی می‌بینند.

# سرویس فقهی-حقوقی:





# زنان؛ بر سر دو راهی مسئولیت‌ها

بررسی وظایف بانوان شاغل در خانه



زهرا غنی آبادی  
آمار



در عرف عام، خانه‌داری در مقابل «اشتغال» به کار برده می‌شود. در اصطلاح، اشتغال به معنای حضور در خارج از منزل و پرداختن به کاری معین در زمانی مشخص و با حقوق و مزایای تعیین شده است. اما خانه‌داری یک کار به حساب نمی‌آید زیرا دارای حقوق و مزایای مشخص شده و همچنین ساعت کاری دقیق نمی‌باشد؛ اما از طرفی اگر به این موضوع به گونه‌ای دیگر نگاه کنیم آنچه به نظر می‌رسد این است که خانه‌داری می‌تواند یکی از سخت‌ترین شغل‌های جهان باشد کاری بدون تایم مشخص و شامل موارد مختلف از جمله آشپزی، نظافت منزل، مرتب کردن منزل، شست و شو و غیره.

یکی از مهم‌ترین وظایف بانوان خانه‌دار تربیت فرزندان است که جزء پر اهمیت‌ترین کارها برای هر انسانی می‌باشد. تربیت درست یک فرزند می‌تواند آغاز سعادت و خوشبختی یک نسل و عکس آن تربیت نادرست یک فرزند می‌تواند مایه‌ی شقاوت یک فرد و چه بسا یک نسل شود بنابراین تربیت فرزند برای خانواده‌ها مخصوصاً بانوان چه خانه‌دار و یا شاغل باید جزو اولویت‌های اول زندگی باشد. از طرفی اگر بخواهیم به موضوع بانوان شاغل بپردازیم می‌توان این گونه گفت که هر نوع حضور در خارج از خانه را نمی‌توان کار مفید تلقی کرد و چه بسا این حضور از مشاغل کاذب و دربردارنده مفاسد و مضار بسیاری باشد. از این رو باید بین شغل کارمندی و مادرانگی یک تعادل و هماهنگی ایجاد شود به گونه‌ای که هیچکدام به دیگری آسیب نرسانند؛ علی‌الخصوص شاغل بودن به تربیت فرزند و مادری.

در جامعه‌ی ما موضوع اشتغال زنان با دو معضل رو به رو شده است. یک عده شامل زنان خانه‌داری می‌شود که همه‌ی پتانسیل و انرژی خود را صرف خانه و امور خانواده کرده‌اند و از رشد و بروز استعدادهای ذاتی خودشان اجتناب کرده‌اند و دسته‌ی دوم زنانی که همزمان بار خانه‌داری و اشتغال را بر دوش داشته و در نتیجه، زودتر از موعد دچار آسیب‌های بدنی و روحی شده و به ناچار در میان انتخاب فعالیت اجتماعی و اقتصادی و وظایف خانوادگی، ناگزیر از انتخاب یک طرف گردیده‌اند.

با توجه به آنچه در جملات قبل تر اشاره شد؛ تمام این مشکلات به دلیل عدم رعایت تعادل میان کار بیرون از منزل و کار داخل منزل است. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که چرا بین نقش‌های متفاوت یک زن ناهماهنگی به وجود می‌آید و چگونه باید بین آنها هماهنگی به وجود آورد؟ در پاسخ باید گفت: هر فرد برحسب موقعیت خویش در گروه و جامعه، باید الگوهای عملی خاصی را رعایت کند که به آن «نقش» می‌گویند. مجموعه حقوق و تکالیف هر نقش «انتظارات نقش» نام دارد. مهم‌ترین مسائلی که در اشتغال زنان باید مورد توجه قرار گیرد؛ وجود نقش‌های متعددی است که زنان باید به عنوان همسر، مادر و هدایت کننده خانواده بر عهده بگیرند.

نقش‌هایی که در جامعه ما به صورت سنتی به آنها نگریسته می‌شود و گاهی با نقش نوین زن به عنوان یک فرد شاغل در خارج از خانه ناهماهنگ است. زنان شاغل در حالی که نقش‌های دو گانه ایفا می‌کنند در زمینه انجام وظایف و مسئولیت‌های ناشی از نقش‌های خانگی و شغلی خود، تا حد متوسطی دچار دوگانگی نقش می‌شوند. معرفی راه میانه می‌تواند پاسخگوی این مشکل باشد. در این صورت است که زن می‌تواند ضمن حفظ نقش اصلی خود به عنوان همسر و مادر، در صورت ضرورت، از فواید اشتغال نیز برخوردار باشد. پاسخ به بعضی از شبهات می‌تواند در پیدا کردن این راه مدد رسان باشد.

پس آیا می‌توان بین کار زن در خانه و کار بیرون آشتی و هماهنگی برقرار کرد؟ یعنی در صورتی که زنان مجبور یا علاقه‌مند باشند در کنار خانه‌داری، شغل دیگری هم داشته باشند و یا جامعه به حضور زنان در مشاغل رسمی نیازمند باشد، آیا امکان جمع میان این دو مسئولیت هست؟ اگر آری، چه پیامدهایی دارد؟ در این زمینه، باید گفت: بررسی روند کلی شرکت زنان در فعالیتهای اقتصادی در چند دهه اخیر و تحول اندکی که در این زمینه حاصل شده و بررسی تعارض نقش‌های خانه‌داری با کار زنان در بیرون از خانه موضوعی قابل بررسی است. در یک بررسی صورت گرفته بیشتر زنان مورد پرسش بر اهمیت نقش سنتی و مسئولیت‌های خانه‌داری خود تأکید کردند و در قبال این نقش، نسبت به کار بیرون از خانه اولویت قائل شدند. آنها معتقد بودند: بین کار به عنوان یک فعالیت اقتصادی در جامعه و حفظ و نگهداری زندگی خانوادگی و مراقبت از کودکان تعارض وجود دارد و آنها غالباً حفظ زندگی خانوادگی را بر کار بیرون ترجیح می‌دهند، اما همچنان علاقه‌مند به کار و فعالیت اقتصادی بیرون از خانه هستند. پس این تعارض به آسانی قابل حل نیست، مگر آنکه مانند برخی کشورهای توسعه یافته، مقررات و امکانات حمایتی وسیعی ایجاد شود و مادران بتوانند هنگام کار بیرون، از خدمات مؤسسات ذیربط (مانند مهد کودک و کودکستان) و یا برخی افراد بهره‌مند باشند و تفاهم بیشتری در این باره بین زن و شوهر پدید آید؛ یا آنکه طرفین از حمایت دیگر اعضای خانواده همچون پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها برخوردار گردند و اشتغال زنان از سوی اقوام مورد پذیرش و حمایت واقع شود.

در مورد نقش مادر نیز باید گفت طبیعی است که مادران شاغل نمیتوانند همانند مادران خانه‌دار در طول شبانه روز به فرزندان خود رسیدگی کنند و از طرفی هنگامی که از کار برمی‌گردند خستگی ناشی از کار و فعالیت اجتماعی برای آنان فرصت زیادی فراهم نمیکند که آنان بقیه ساعات روز خود را با کودکان خود وقت بگذرانند. برای همین بانوان شاغل باید به این موضوعات فکر کنند و در صدد رفع آنها باشند.





# زنان؛ در زیر چتر حمایت قانونی

بررسی ضرورت وجود قوانین حمایتی حقوقی برای بانوان



الهام آقابابایی  
ارشد حقوق عمومی

امروزه زنان نیز با وجود قدرت جسمانی پایین‌تر نسبت به مردان، مانند آنها نیمی از جمعیت فعال کشور را به خود اختصاص داده‌اند. در سال‌های اخیر فعالیت‌های اقتصادی زنان نسبت به گذشته افزایش پیدا کرده است و در طی سالیان متمادی تعداد بانوان سرپرست خانوار افزایش پیدا کرده است. از طرفی مشکلات اقتصادی و کاهش قدرت خرید و مسائلی مانند مشارکت اجتماعی و عدم تکافوی حقوق زوج برای تامین مخارج خانواده باعث شده تا کار کردن یک نفر به تنهایی کافی نباشد و زن و شوهر باهم در عرصه‌ی اقتصادی فعالیت کنند. این مسئله که شرایط کار برای زنان با توجه به جنسیت، روحیات و وظایف آنها، نسبت به مردان محرز است یکی از بدیهیات نیز هست چون بانوان باید علاوه بر بیرون خانه، به مسائل داخل خانه مانند رسیدگی به فرزندان نیز پرداخته و آنها را مدیریت کنند با این وجود، مقنن به دلیل جایگاه والای بانوان در نظام خانواده و عدم ایجاد تداخل کار با زندگی خانوادگی آنها با دیدی خاص به فعالیت‌های اقتصادی ایشان توجه کرده و به عبارتی بانوان را مورد حمایت قرار داده است که مختصر به برخی از آنها خواهیم پرداخت (البته باید این مسئله را هم بیان کنیم که مسائلی مانند دین و نژاد هیچ تاثیری در میزان حمایت قوانین کار برای افراد ندارد).

## تفاوت‌های استخدامی زنان و مردان

برخی از حقوق‌دانان معتقدند که در امور استخدامی برخی مقررات ویژه زنان مطرح شده که از میان آنها می‌توان به مرخصی‌ها، پرداخت حقوق به وراثت، کار نیمه وقت و شرایط بازنشستگی اشاره کرد.

## نظر قانون کار در خصوص بانوان کارگر

طبق قانون کار انجام کارهای سخت و زیان‌آور و حمل بار بیش از حد مجاز برای زنان ممنوع است. بعد از مرخصی زایمان نیز چون جزو ایام تعلیق از کار محسوب می‌شود کارگر زن به کار سابق خود برگشته و این مدت با تایید سازمان تامین اجتماعی جزو سابقه‌ی خدمت او محسوب می‌شود و در مدت مرخصی به زن حقوق پرداخت می‌شود و این درحالی است که در مقررات بین‌المللی برای مرخصی زایمان ۱۲ هفته در نظر گرفته می‌شود. اگر بعد از مرخصی کارفرما از پذیرش مجدد کارگر زن امتناع کند، او می‌تواند به هیات‌های حل اختلاف شکایت کرده و متعاقب آن مقرری بیمه دریافت کند. اخراج زنان کارگر در دوره‌ی مرخصی زایمان ممنوع است.

در خصوص بازنشستگی باید گفت که بانوانی که ۱۰ سال سابقه‌ی کاری و ۵۵ سال سن دارند می‌توانند متناسب با سنوات خدمت خود حق بیمه دریافت کرده و بازنشسته شوند. اکنون برخی از حمایت‌های حقوق کار را بطور دقیق‌تر بررسی خواهیم کرد. البته این نکته شایان ذکر است که تبعیض قائل شدن بین زن و مرد در شرایط کار مساوی در قانون کار ممنوع اعلام شده است. در قوانین ایران طبق ماده ۳۸ قانون کار، نه تنها قائل شدن مزایای کمتر نسبت به مردان برای زنان در ازای کار مساوی ممنوع است، بلکه برای زنان کارگر از حیث کاری و

تامین اجتماعی مزایای خاصی در نظر گرفته شده است.

## ممنوعیت کار در شب برای زنان

در قانون سابق کار (مصوب سال ۱۳۳۷)، کار شب برای زنان ممنوع اعلام شده بود اما در قانون جدید (مصوب ۱۳۶۹) کار به ممنوعیت کار کردن در شب برای زنان تصریح نشده و عبارت بهتر موضوع مسکوت مانده است. برخی حقوق‌دانان این سکوت قانون را ممنوعیت کار در شب استنباط می‌کنند؛ ولی به نظر می‌رسد که با توجه به قوانین مطروح بین‌المللی و اعلامیه‌های سازمان بین‌المللی کار و توجیهات و استدلال‌های منطقی آنها، باید قائل به تفکیک شد و ممنوعیت کار در شب برای زنان را فقط در برخی از مشاغل مثل کارهای صنعتی و بیمارستانی منطقی و قابل قبول دانست. مثلاً در کارهای خدماتی و بهداشتی مثل پرستاری نیاز به کارگران زن محرز و مسلم است و نباید زنانی را که مانعی برای کار کردن در شب ندارند از کار کردن و دریافت حقوق آن محروم کرد.

## اعطای مرخصی به زنان باردار

در قوانین بین‌المللی مرخصی بارداری و زایمان برای کارگران زن ۹۰ روز تعیین شده است ولی در قوانین کار ایران مرخصی بارداری و زایمان کارگر زن به مدت ۶ ماه است اما بعد از تصویب قانون تنظیم جمعیت خانواده در سال ۱۳۹۲ مدت مرخصی زایمان از ۶ ماه به ۹ ماه افزایش پیدا کرد. یکی دیگر از مقررات حمایتی مقنن در ماده ۷۴ قانون کار فعلی درج شده است. مطابق ماده‌ی مذکور در مواردی که به تشخیص پزشک سازمان تامین اجتماعی (پزشک حتماً باید توسط سازمان تایید شده باشد) تشخیص هر پزشک غیر از پزشکان سازمان تامین اجتماعی مورد قبول نیست، نوع کار برای کارگر باردار سخت و یا خطرناک تشخیص داده شود کارفرما تا پایان مدت بارداری او بدون کسری حق‌الزحمه، کار مناسب‌تر و سبک‌تری را به او خواهد سپرد.

## کاهش ساعات کار زنان در دوران شیردهی

در جهت حمایت از مادران کارگر و حمایت از کودکان و کمک و مراقبت از آنها و با توجه به شرایط خاص موجود کارفرما مکلف است تا پایان دو سالگی کودک، بعد از هر ۳ ساعت، نیم ساعت به مادر فرصت شیردهی به کودک را بدهد. لازم به ذکر است که بر اساس ماده ۷۸ قانون کار، در کنار سایر ساعاتی که کارگر زن مشغول کار است، ساعات شیردهی خود نیز جزء ساعات کاری محسوب می‌شوند و کارفرما حق ندارد به بهانه‌ی کاهش ساعات کاری زن بخاطر شیردهی، از حقوق او بکاهد. همچنین کارفرما مکلف است مراکز برای نگهداری کودکان شیرخوار در محل کار یا در نزدیکی آن ایجاد کند.

در پایان صحبت، باید گفت که زنان ممکن است در چندین مکان مشغول کار باشند، پس حقوق کار باید حقوق آنها را در همه جاهایی که شاغل هستند در نظر بگیرد. امید است که با حمایت‌های درست حقوقی و قوانین کار از بانوان، شاهد پیشرفت جامعه و تحقق مولفه‌های کار شایسته در کشور باشیم.



# اشتغال زنان با عینک فقه

## بررسی نگاه فقه به اشتغال زنان



سمیرا رحمتیان  
مطالعات خانواده

هر کدام از افراد بشر فارغ از جنسیت دارای ارزش و کمالات انسانی می‌باشند و همه‌ی آن‌ها دارای اختیار و اراده برای اداره امور خود هستند و می‌توانند برای رشد و کمال خود تلاش کنند. قرآن کریم درباره ارزش‌ها و کمالات انسان سخن می‌گوید؛ در نگاه قرآن زن و مرد در انسانیت باهم برابرند و یکی بر دیگری برتری ندارد. امروزه جوامع بسیاری قواعد و قوانین اسلامی را مانع از پیشرفت زنان در جامعه(به خصوص در جوامع اسلامی) می‌دانند؛ در حالیکه ظهور اسلام باعث نجات زنان از بندهای زمان جاهلیت شد. در آن زمان دختران زنده به گور می‌شدند و زنان را پست می‌شمردند به آن‌ها ظلم‌های فراوانی روا می‌داشتند. اسلام خرافاتی را که در مورد زنان وجود داشت از بین برد و زن و مرد را برابر با هم اعلام کرد و مقام بالای زنان را به همگان یادآور شد.

### ■ مشاغل مشترک بین زنان و مردان

در شرع اسلام برخی پیشه‌ها بین زنان و مردان مشترک است و برخی مشاغل ویژه زنان است. مواردی از مشاغل مشترک در روایات آمده که به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

**الف) تعلیم و تربیت:** حفص بن قرقط به امام صادق(علیه السلام) عرض کرد: زنی در مدینه است که مردم، دختران خود را نزد او می‌برند تا آنها را پرورش دهد و او از این کار درآمد خوبی به دست می‌آورد. امام فرمود او راست گفتار و امانت‌دار است و این کار روزی‌آور است. از این روایت به دست می‌آید که شغل معلمی برای زن اشکالی ندارد و یکی از کارهای مشترک بین زن و مرد است.

**ب) نوحه‌سرایي زنان:** یکی دیگر از شغل‌هایی که زنان هم می‌توانند به آن اشتغال داشته باشند؛ مرثیه‌سرایي است. امام باقر (علیه السلام) به امام صادق فرمودند این اندازه از مال مرا وقف کن تا مدت ۱۰ سال در روزهایی که حج گزاران در منا به سر می‌برند زنان مرثیه‌سرا برایم سوگواری کنند.

**ج) آشپزی:** امام صادق (علیه السلام) فرمود: برای مرد و زن آشپزی که روزه دارند چشیدن غذا (بدون فروبردن)

اشکالی ندارد. این روایت حکایت از شغل طبخی برای زن و مرد دارد.

### ■ مشاغل خاص زنان

در روایات شغل‌هایی ویژه‌ی زنان وجود دارد که به آنها سفارش شده است، از جمله: آرایشگری و مامایی

### ■ نگاه فقهی

موضوع کارکردن زن بیرون از خانه موضوع اختلافی بین فقها است. فقهای معاصر وظیفه زن را ماندن در خانه و نگهداری و تربیت فرزندان می‌دانند که برگرفته از نظر فقهای پیشین است که دلیل منع زن از اشتغال را وجوب پرداخت نفقه از جانب مرد می‌دانند. برخی از آنها معتقدند که زنان توان انجام کارهای سخت را ندارند و همچنین از ذکاوت و هوش کمتری نسبت به مردان برخوردارند. از این فقها باید پرسید که زن با چنین اوصافی چگونه می‌تواند کارهای سخت منزل که نیازمند توانایی جسمی است را انجام دهد و یا کار بسیار مهمی مانند تربیت فرزندان و نسل آینده را انجام دهد؟! برخی از فقهای اهل سنت این موضع را بیان کرده‌اند اما فقهای مذهب جعفری(شیعی) کارکردن زن را قبول دارند. فقهای امامیه نیز اشتغال زنان را می‌پذیرند و مهمترین دلیل آنها این است که در زمان پیامبر و ائمه، زنان منتسب به معصومان و سایر زنان، در خانه حبس نمی‌شدند و به کارهای بیرون از منزل اشتغال داشتند. در زمان جاهلیت برحسب جامعه و محیط، به زن

اجازه داده می‌شد که در بیرون از منزل اشتغال داشته باشد؛ از جمله اینکه کشاورزی و دامپروری می‌کرد؛ به فعالیت‌های بزرگ اقتصادی می‌پرداخت و یا به فروش صنایع دستی و هنری زنان می‌پرداختند. دین اسلام نیز این نظر را درباره اشتغال زنان پذیرفت.

### ■ ضوابط مربوط به اشتغال زنان

حجاب و پوشش: منظور از حجاب تنها پوشش ظاهری نیست بلکه شامل نوع رفتار و گفتار نیز می‌شود که اهمیت بالایی دارد.

**عدم اختلاط:** ارتباط بین زن و مرد بهتر است طوری باشد که مرد وارد جایگاه زنان نشود اگر چیزی می‌خواهد و مورد نیاز است از پشت دیوار صدا بزند.

**حفظ وقار و عفاف:** شامل وقار در راه رفتن، سخن گفتن، دوری از نگاه نامحرم، پاکدامنی و غیره است که در بسیاری از آیات قرآن نیز یادآور شده است.

در نتیجه در قرآن و سنت مطلبی که نشان دهنده ممنوعیت کار زنان باشد وجود ندارد. نگاه اسلام به اشتغال زنان نگاه صحیحی است؛ زیرا می‌داند که پیشرفت جامعه نیازمند تلاش و کوشش همه افراد جامعه است و فقها در بیان نظرات خود بر اساس اسلام لازم است که شرایط زمان و جامعه را در نظر بگیرند و با توجه به واقعیت موجود در جامعه فتوا دهند.



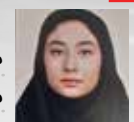


# اشتغال فارغ از جنسیت

## بررسی قانون کار و قانون مدنی در مورد اشتغال زوجه

ساهر رحیمی

فقه و مبانی حقوق اسلامی



قانون کار به طور اختصاصی به حمایت از بانوان شاغل و ایجاد سهولت در کار زنان پرداخته است و زنان کارگر را از انجام کارهای سخت و خطرناک همچنین حمل بیش از حد بار، بدون استفاده از وسایل مکانیکی، منع کرده است و در مواردی دیگر زن را تحت عنوان مادر مورد خطاب قرار داده است و مرخصی ۹۰ روزه همراه با پرداخت حقوق را برای مادران شاغل در نظر گرفته است و طبق تبصره این ماده، کارگر پس از اتمام دوره در دوران مرخصی می‌تواند به کار سابق خود بازگردد و این ایام جزء سابقه کاری وی لحاظ می‌شود.

امروزه با توجه به افزایش جمعیت و گسترش نیازها در زمینه‌های مختلف از جمله نیروی کار، اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد طبق این ماده، دولت‌ها موظف هستند شرایط اشتغال را برای تمامی اقشار جامعه که نیروی فعال هستند فراهم کنند تا هر زن و مردی فارغ از جنسیت و بر حسب توانایی خود به فعالیت موافق با موازین اسلامی و مصالح عمومی بپردازد؛ با رعایت و حفظ حقوق دیگران و شرایط را برای فعالیت عادلانه بین افراد فراهم کنند.

■ از جمله این شرایط می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

مشاغلی که بر عهده زنان گذاشته می‌شود باید از ایمنی و بهداشت کار کافی و قابل قبول برخوردار باشد.

زنان همچون مردان در قبال کار، از فراغت، مرخصی، ساعت معقول کار و استفاده از حقوق ایام تعطیل برخوردار هستند.

پرداخت مزد منصفانه و اجرت مساوی برای کار با ارزش مساوی، بدون هیچ‌گونه تمایزی بین مرد و زن؛ البته لازم است تضمین‌های کافی داده شود تا شرایط کار زنان پایین‌تر از شرایط کار مردان نباشد.

به طور کلی امروزه حضور زنان در جامعه و اشتغال آنها به عنوان یکی از ارکان توسعه کشور در نظر گرفته شده است و نظام حقوقی ایران با مبنا قرار دادن مصالح و منافع فردی، خانوادگی و اجتماعی زنان، در ضمن پذیرش اصل حق اشتغال زنان، به شرایط فیزیکی، روحی و روانی زنان توجه کرده است و آنها را از انجام برخی مشاغل و امور منع و زنان را به عنوان تصمیم‌گیرنده‌های فعال مورد حمایت قانونی و حقوقی قرار داده است.

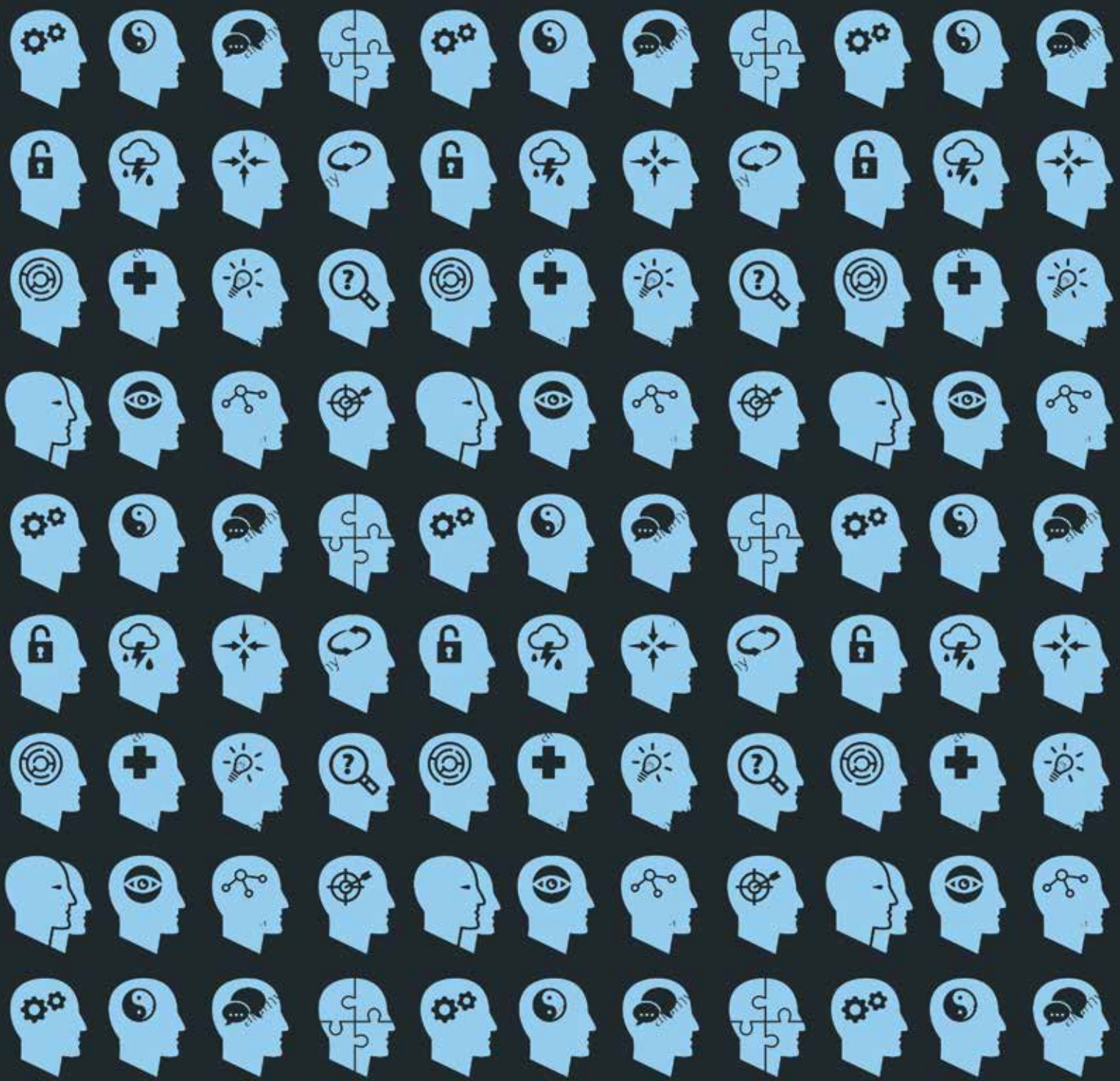
در چند دهه اخیر توجه به زنان و نقش آنها به عنوان نیروی فعال و تاثیرگذار جامعه مورد توجه قرار گرفته است و امروزه شاهد حضور پررنگ زنان در کنار مردان و مشارکت چشمگیر آنها در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هستیم و این در حالی است که، در اسلام کلیه حقوق با توجه به ارزش‌های انسانی مطرح شده و در همان دوران صدر اسلام زنان در حد توان خود دوشادوش مردان به فعالیت‌های اقتصادی و حضور در اجتماع مشغول بوده‌اند؛ اما در همان زمان جایگاه زن در نظام فلسفی و جهان‌بینی غربی به مراتب مظلوم‌تر از مرد بوده است به گونه‌ای که مورخ یونانی می‌نویسد «باید نام زن همانند خود او در خانه محبوس بماند».

اما امروزه اکثریت اتفاق نظر دارند که زن صرفاً دریافت‌کننده خدمات و کمک‌ها نیست بلکه مشارکت‌کننده و در عین حال برخوردار از حقوقی است و زن با بازیافت جایگاه اصلی انسانی خود، به مهم‌ترین وظیفه خویش یعنی پرورش انسان‌ها و تربیت نسل بعدی مضاف بر همگام بودن با مردان و مشارکت در جامعه می‌پردازد و به عنوان عنصر پیشتاز شناخته می‌شود.

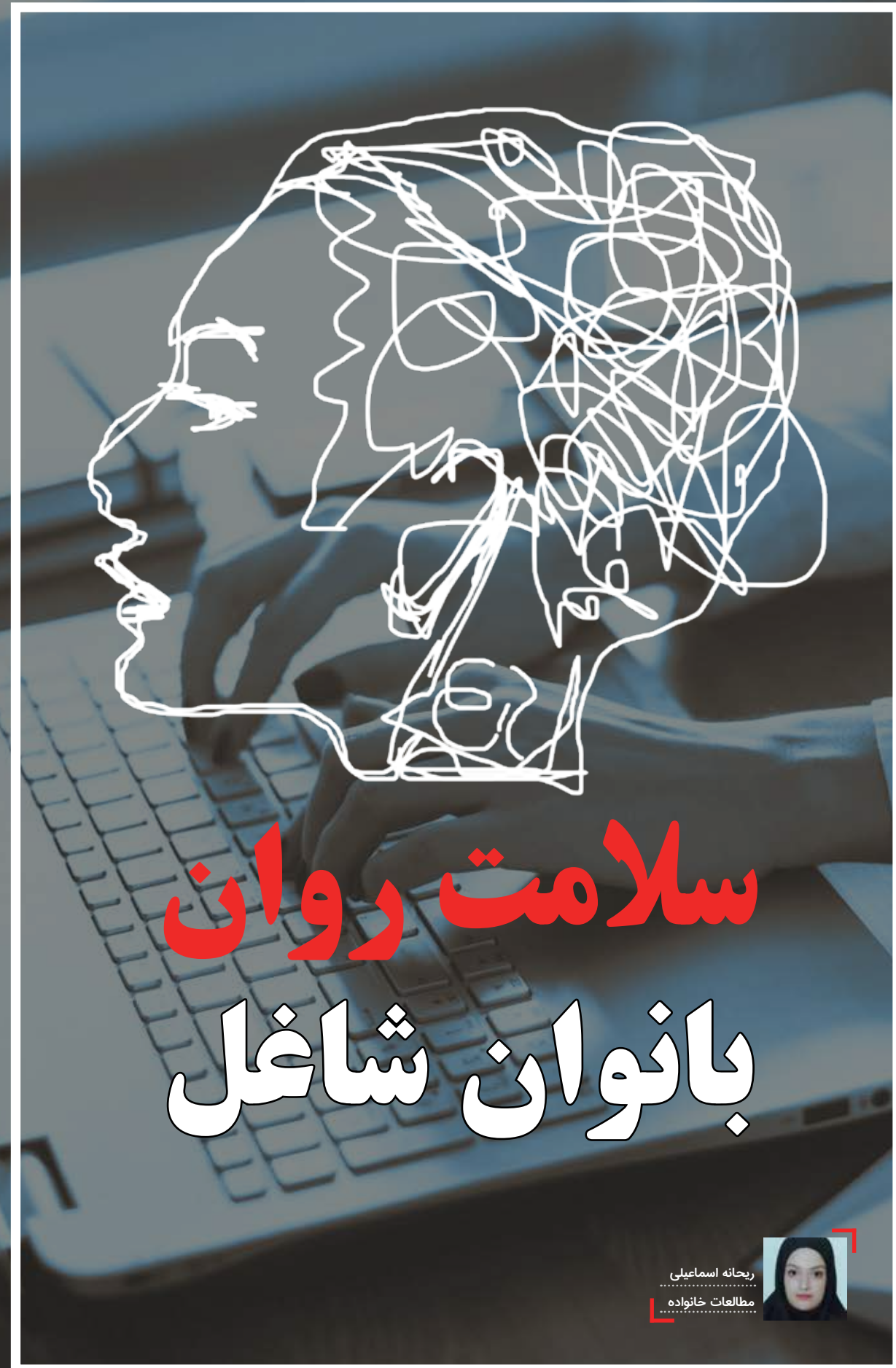
با توجه به اهمیت مسئله، مفاد قانونی برای این امر در نظر گرفته شده است به طوری که قانون اساسی علاوه بر اختصاص چندین اصل به حقوق زن، به طور خاص به رعایت حقوق این قشر عظیم توجه کرده است لکن با این تفاسیر شاهد بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌هایی در این زمینه هستیم.

توافق بر اشتغال زوجه در ضمن عقد نکاح یکی از جنبه‌های حمایتی مخصوص بانوان شاغل است به صورتی که زوجین در ضمن عقد نکاح با یکدیگر توافق و شرط می‌کنند که اشتغال زوجه به هر شغلی که مایل باشد و هر کجا که شرایط آن ایجاب کند، توسط زوج پذیرفته شود؛ اما ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی این حق را تخصیص کرده و اینگونه بیان می‌دارد: زوج می‌تواند همسر خود را از حرفه‌هایی که با مصالح خانوادگی و یا حیثیت زن و مرد منافاتی داشته باشد؛ منع کند اما این امر به صورت مطلق نیست و منع زوجه از حق اشتغال، نیازمند طرح دادخواست و اثبات منافات شغل زوجه و بررسی آن توسط دادگاه صالح است. همچنین اگر دادگاه حکم به عدم اشتغال زن بدهد، حکم مذکور صرفاً در رابطه با همان شغل قابل اجرا می‌باشد و زن به طور مطلق از اشتغال منع نمی‌شود.

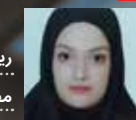
# سرویس روانشناسی:







# سلامت روان بانوان شاغل



ریحانه اسماعیلی  
مطالعات خانواده

یکی از جنبه‌های اثرگذار اجتماعی موثر بر سلامت روان، حرفه و شغل افراد می‌باشد. در جامعه دیدگاه‌های مختلفی نسبت به اشتغال زنان وجود دارد. عوامل شغلی تاثیرگذاری مثبت یا منفی بر سلامت روان افراد دارد و می‌تواند باعث بروز خستگی‌های شغلی و کاهش توان جسمانی و یا افزایش عزت نفس و اعتماد به نفس در فرد شاغل گردد.

سلامت روانی و جسمانی زنان به عنوان نیمی از جمعیت که نیرویی فعال محسوب می‌شوند، تاثیر مستقیمی در پیشرفت و توسعه یک کشور دارد. با توجه به این شرایط به حاشیه رانده شدن و کنار گذاشتن آنها در جامعه حاصلی جز عقب‌ماندگی ندارد. حضور فعال زنان تاثیر مستقیمی در پیشرفت و توسعه یک کشور در زمینه‌های مختلف از جمله زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... دارد. چرا که کودکان آینده‌سازان جامعه هستند و زنان پرورش دهنده آنها بوده و در واقع این زنان هستند که آینده را می‌سازند.

معمولا کار یک منبع مهم برای امرار معاش است و همچنین موجب احراز موقعیت‌های اجتماعی می‌شود، اما خستگی و آسیب‌های ناشی از آن نیز می‌تواند موجب تحلیل قوای جسمانی و روانی افراد شود و بر سلامت روان آنها تاثیر بگذارد. یکی از عمومی‌ترین مسائل زنان در مشاغل مسئول و مهم این است که افراد چگونه می‌توانند مسئولیت‌های خانوادگی را با کار شدید، دقیق و خسته‌کننده تطبیق دهند. از طرفی مشکلات مربوط به محیط کار نیز سوای مشکلات خانه بر دوش زنان شاغل سنگینی می‌کند، مشکلاتی مثل رابطه با همکاران، حقوق و مزایا و سرپرستی که در کنار تأهل، بچه داشتن و غیره جزء مسائل قابل بررسی در مورد زنان است. توجه به این موضوعات و این که اصولا شغل‌های خدماتی در ارتباط با انسان خصوصا در مورد زنان فرسایشی بوده و موجب فشارهای روانی به انسان می‌گردد و فشارهای روانی می‌توانند موجبات بیماری‌های روان‌تنی، افسردگی و سایر اختلالات شود. اثرات منفی اشتغال زنان و مشکلاتی که به همراه دارند انکار ناپذیر است، اما در اینجا به برخی از اثرات مثبت اشتغال در سلامت روان زنان می‌پردازیم.

اشتغال زنان، افزایش اعتماد به نفس و عزت نفس و خود اتکایی آنها را به دنبال دارد. مطالعات نشان داده‌اند که در برخی موارد اشتغال زنان نه تنها ایجاد آسیب و مشکل برای آنها نمی‌کند، بلکه جایگاه اجتماعی، کسب درآمد و دریافت حمایت‌های اجتماعی بیشتر، بر سلامت روانی آنها تاثیر به سزایی دارد. به طور کلی حضور بیشتر زنان بیشتر در عرصه اجتماعی سبب کاهش بحران فردی و اجتماعی، افسردگی، بی‌اعتمادی و بدبینی به قوانین و قواعد حاکم، خواهد شد.

عوامل متعدد فرهنگی، اجتماعی، قانونی و... در جامعه وجود دارد که مانع از افزایش مشارکت زنان در فعالیت اقتصادی می‌شود. اشتغال زنان و کسب درآمد آنها، احساس مشارکت در اداره امور اقتصادی خانواده را افزایش می‌دهد و احساس عدم کنترل بر تصمیم‌گیری‌های خانواده و در حاشیه رانده شدن زنان را کاهش می‌دهد؛ البته فشارهای روانی ناشی از ایفای

نقش‌های متفاوت در زنان از جمله نقش مادری، همسری، شغلی و... را نمی‌توان نادیده گرفت.

زنان شاغل به تنهایی مسئولیت سنگین خانه‌داری در کنار وظایف شغلی و مسئولیت‌های حرفه‌ای و کار را برعهده دارند. آنها در قبال این وظایف خود را مسئول می‌بینند. بنابراین در وضعی قرار می‌گیرند که از یک سو قادر به پاسخگویی کامل انتظارات هر دو نقش خویش نیستند و از سوی دیگر مایل هستند که هر دو نقش را به خوبی ایفا نمایند.

رویکرد مطرح در غرب نسبت به رابطه سلامت روان زنان و اشتغال آنها با توجه به مطالعات صورت گرفته، در غرب دو رویکرد عمده به مسئله رابطه اشتغال و سلامت روان در مورد زنان - یکی با دیدگاه منفی و دیگری با دیدگاه مثبت - وجود دارد. در چارچوب رویکرد منفی زنانی که به کار در ازای دستمزد می‌پردازند، به احتمال بیشتر بنابر دلایلی چون حجم بیشتر کار، افزایش انتظارات و مسئولیت‌های بیشتر و استرس ناشی از ایفای چند نقش توأمان، از نظر سلامت روان در وضعیت نامطلوب‌تری نسبت به زنانی که صرفا به ایفای نقش‌های همسری و مادری می‌پردازند، قرار می‌گیرند. در چارچوب رویکرد مثبت، نقش اشتغال که به عنوان نقش جدیدی به نقش‌های سنتی و قدیمی زنان اضافه شده، به عنوان یک امر مثبت و پر فایده در نظر گرفته می‌شود. در اینجا اشتغال زنان تاثیر مثبت بر سلامت روان آنها دارد و سبب افزایش عزت نفس، درآمد بیشتر و کسب حمایت‌های اجتماعی می‌شود.

## ارتباط بین رده شغلی و سلامت روان زنان شاغل

رده شغلی به عنوان یک عامل اجتماعی اثرگذار از این جهت می‌تواند مورد توجه قرار گیرد که تاثیرات مثبتی مانند افزایش عزت نفس، کسب استقلال فردی و ... برای زنان شاغل به همراه دارد. البته بعضی از مشاغل با توجه به نقش‌هایی که بر حسب وظیفه شغلی و گروه‌های شغلی دارند؛ دارای استرس‌ها، اضطراب‌ها و مشکلات جسمانی خاص خود می‌باشد.

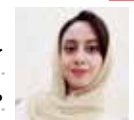
تحقیقاتی برای ارتباط بین رده‌ها و جایگاه شغلی زنان و سلامت روان آنها صورت گرفت. این تحقیقات بر ۱۶۰ زن شاغل در سازمان بهزیستی تهران در چهار رده شغلی مختلف صورت گرفت. نتیجه این پژوهش چنین بود که بین نمره سلامت روان و رده‌های شغلی زنان ارتباط معناداری وجود دارد و رده‌های شغلی به عنوان یک عامل اجتماعی بر سلامت روان زنان تاثیرگذار است. در مجموع، زنان شاغل در رده‌های شغلی بالاتر از سلامت روانی بهتری نسبت به سایرین برخوردار هستند. البته در رده‌های شغلی بالاتر، با افزایش مسئولیت و افزایش فشار کاری مواجه هستیم. همچنین زنان نسبت به مردان از توان جسمی کمتری برخوردار هستند و بیشتر در معرض آسیب‌های روانی مانند افسردگی قرار می‌گیرند. بنابراین افزایش مسئولیت و جایگاه شغلی در رده‌های بالا نیز ممکن است برای این قشر، آسیب‌های روانی و مشکلاتی را همراه داشته باشد.



# خانواده ایده آل

بررسی مدیریت خانواده و زنان شاغل

کوثر شعبانی  
مطالعات خانواده



زندگی شما چگونه باشد؛ برای مثال در نگاه سنتی همواره مرد مسئول مدیریت خانواده بوده است و تصمیم‌گیری‌های مهم از جانب او اتخاذ می‌شد در این سیستم و این نوع روش تقسیم وظایف در خانه تمام فعالیت‌های مربوط به شغل و درآمد وظیفه مرد محسوب می‌شود و در مقابل امور مربوط به خانه و تربیت فرزندان به زن اختصاص دارد. اما امروزه با مدرن شدن جوامع و اشتغال بسیاری از زنان در اجتماع، این نوع تقسیم‌بندی برای بسیاری از خانواده‌ها کنار گذاشته شده است و زنان و مردان تلاش می‌کنند که به طور برابر در کنار یکدیگر برای زندگی مشترک خود تلاش کنند و مشکلی که این روزها گریبان گیر خانواده‌ها شده همین تقسیم نادرست مسئولیت‌ها است. امروزه که بیشتر بانوان سر کار می‌روند و ساعات کاری که دارند برابر است با مردان، اما از آنها توقع می‌رود وقتی به خانه می‌آیند تمام کارهای منزل را به نحوه احسن انجام دهند و مرد استراحت کند آن هم بدلیل اینکه وظیفه زن تربیت فرزندان، آشپزی، نظافت و ... است. در این تقسیم‌بندی نادرست زن دچار فرسودگی و کم‌کم دچار افسردگی می‌شود.

هنگامی که باید از صبح مشغول کار خارج از خانه باشد و بعد از آن هم به کارهای خانه برسد دیگر نیرو و توانی برای آن نمی‌ماند و کم‌کم در دیگر ابعاد زندگی نیز مشکلاتی برای زوجین بوجود می‌آید. در چنین شرایطی کسی مسئول نهایی تصمیم‌گیری‌ها نیست بلکه زن و مرد در طی فعالیت مشترک و همکاری با یکدیگر موضوعات و چالش‌های مربوط به خانواده را حل و فصل می‌کنند. برای رسیدن به تفاهم در زندگی مشترک و برای آنکه در زندگی با همسر خود در رابطه با مدیریت خانواده به اختلاف برنخورید باید از ابتدا مشخص شود که می‌خواهید خانواده شما بر چه اساس و شیوه‌ای اداره شود. آیا نگاه شما به زندگی نگاهی سنتی است یا اینکه اساس زندگی‌تان به شیوه‌ای مدرن چیده شده است؛ برای مثال بسیاری از زنان طبق دیدگاه‌های مدرن

اگر بدانیم مدیریت خانواده به چه معنا است می‌توانیم ارتباط بهتری میان اعضای خانواده ایجاد کنیم؛ ارتباطی که در نهایت موجب ایجاد آرامش و زندگی با کیفیت بالاتر می‌شود.

■ انواع مدیریت در خانواده به دو دسته اصلی تبدیل می‌شود:

مدیریت فردگرا از انواع مدیریت در خانواده است که بر اساس تصمیمات یک فرد یا حداکثر دو نفر انجام می‌شود که به نظر مدیریت خوبی نمی‌رسد و بیشتر تصمیمات توسط یک فرد اتخاذ شده و دیگر اعضا باید آن را بپذیرند. شاید یاد سیستم مدیریت دیکتاتوری بیفتید اما در مواردی این سبک مدیریت خانواده کارایی دارد.

مدیریت جمع‌محور، این مورد یکی از محبوب‌ترین انواع مدیریت در خانواده است و در آن بیشتر تصمیمات بر پایه نظرات جمع گرفته می‌شود؛ خرید خانه جدید، نوع اسباب و اثاثیه خانه و هر چیز دیگری با اجماع نظر همه اعضا انجام می‌شود و همه آنها خود را در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی شریک می‌بینند.

هر چند خانواده کوچکترین واحد اجتماعی در هر جامعه محسوب می‌شود اما اهمیت مدیریت در این واحد کوچک، به اندازه‌ای مهم است که در هیچ نهاد اجتماعی دیگری نظیر آن را نمی‌توان یافت. زیرا اولین نهادی است که ما در آن متولد می‌شویم و بخش زیادی از تربیت ما در آن صورت می‌گیرد. محبت و عشق، پایه‌گذار یک خانواده است. اما باید توجه داشته باشیم که این عناصر هم، برای اتحاد و دوام نیاز به یک مدیریت قوی دارند. با تولد فرزندان و گسترش نهاد خانواده اهمیت مدیریت خانواده بیش از پیش نمود پیدا می‌کند. بسیاری از زوجین در مورد آنکه مدیریت خانواده باید با چه کسی باشد دچار تعارض و مشکلاتی می‌شوند. قبل از اینکه بتوانید این موضوع را حل کنید باید مشخص کنید که می‌خواهید سبک

- \* وجود فشار بسیار زیاد روی یکی از زوجین در مورد رسیدگی به امور مربوط به خانواده
- \* عدم توازن در تقسیم مسئولیت‌ها
- \* ناتوانی در برآورده کردن انتظارات یکدیگر و احساس ناکامی در رابطه جنسی
- \* عدم ارتباط کافی و رضایت بخش بین اعضا و مدیریت خانواده به طور مجزا از یکدیگر
- \* وجود فاصله و سردی عاطفی بین اعضای خانواده و نارضایتی از زندگی

داشتن خانواده سالم مرهون از خود گذشتگی و آموزش مهارت‌های زندگی اعضای خانواده است. در مواقعی که روابط بین زوجین دچار تنش شده باشد، مسلماً آرامش و احترام در آن خانواده جایگاهی نخواهد داشت. در واقع مدیریت خانواده به معنای تحکم و زورگویی نیست، بلکه به نوعی به دوش کشیدن وظایف سنگین اداره زندگی و تامین نیازهای خانواده است. اما در مواقعی ممکن است در انجام این وظیفه افراد دچار تصورات غلط شده و با ایجاد محدودیت‌های نابجا برای آزادی در خانواده و یا عدم تامین نیازهای مادی و معنوی خانواده در حق هم‌دیگر ظلم کنند در چنین شرایطی لازم است که بعد از گفت و گو با یکدیگر اگر به نتیجه‌ای نرسیدند با مشاور یا روان‌شناس این موضوع را در میان بگذارند.

انتظار دارند که مردان در امور خانه و تربیت کودک مشارکت فعال داشته باشند و در تصمیم‌گیری‌ها آن‌ها را شریک کنند در حالی که خود حاضر به هیچ‌گونه همکاری با همسر خود نیستند و تنها به امور خانه می‌پردازند. همچنین عکس این موضوع نیز صادق است بطور مثال با توجه به مشکلات بانوان شاغل که مجبور هستند تمام کارهای خانه را نیز انجام دهند. این شرایط منجر به اضافه بار نقش شده و احساس فرسودگی در فرد ایجاد کند. در نتیجه بسیار مهم است که اگر زندگی خود را بر پایه‌های مدرن چیدمان کرده‌اید به تبع آن انتظارات سنتی خود را نیز کنار بگذارید و در کنار یکدیگر برای پیشبرد زندگی تلاش کنید. و ضروری است که این چنین مسائل یعنی تقسیم صحیح وظایف در خانه را از کودکی به فرزندانمان آموزش دهیم تا در آینده زندگی شاد، موفق و سرشار از حس خوب را تجربه کنند و آسیب کمتری ببینند.

ممکن است در مورد شیوه مدیریت خانواده خود دچار شک و تردید شوید و از خود بپرسید که آیا روشی که در پیش گرفته‌ایم روشی درست است یا خیر؟ در صورتی که چند مورد از این ویژگی‌ها را در زندگی خود مشاهده کنید باید به دنبال راه حل مناسبی برای برطرف کردن آن باشید.

- \* ناهماهنگی و اختلاف نظر در سبک فرزندپروری
- \* ناتوانی در مدیریت خرج خانه
- \* اختلاف نظر در مورد رسیدگی به کارهای مربوط به خانواده



# ردپای اشتغال بر روان زنان



مصاحبه با سرکار خانم زهرایی رئیس مرکز مشاوره دانشگاه الزهراء (س)

ریحانه اسماعیلی  
مطالعات خانواده



۱. زنان شاغل در جوامع امروزی در معرض چه آسیب‌های روانی قرار دارند؟

زنان شاغل در تمام دنیا براساس موقعیت شغلی خود می‌توانند تحت تاثیر آسیب‌های روانی مختلفی قرار بگیرند؛ از جمله مهمترین آسیب‌های روانی استرس شغلی است. عوامل مختلفی می‌تواند بر آسیب‌های روانی موثر باشند مانند امنیت شغلی و مالی، محیط شغلی سالم، انتظارات شغلی روشن و مشخص و ویژگی‌های فردی مانند ویژگی‌های شخصیتی، سن، تجربه و مهارت که می‌توانند این آسیب‌ها را تشدید یا تعدیل کنند. با این حال، با توجه به مشکلات اقتصادی موجود در کشور، بسیاری از افراد از جمله زنان، در موقعیتی مشغول به کار هستند که با رشته‌ی تحصیلی، مهارت‌ها و خواسته‌های آنها مغایرت دارد و صرفاً به عنوان منبع درآمد به آن پرداخته میشود که همین موضوع می‌تواند شرایط کاری و آسیب‌های روانی ناشی از آن را در کشور ما افزایش دهد.

از سوی دیگر در جوامع امروزی، با توجه پذیرفته‌تر شدن وضعیت اشتغال زنان در بیرون از منزل، فشار روانی ناشی از اشتغال برای زنان کاهش پیدا کرده و تعامل و تقسیم نقش‌ها با پذیرش بیشتری رخ میدهد که از نکات مثبت گذر زمان در این موضوع است.

۲. اشتغال زنان عاملی برای سلامت روان است یا موجب آسیب روانی می‌شود؟

حضور بانوان در محیط‌های شغلی از این نظر که منجر به افزایش عزت‌نفس و خوداتکایی زنان می‌شود، تاثیر به‌سزایی در سلامت روان آنها خواهد داشت. در واقع، امر اشتغال باعث ارتقای موقعیت اجتماعی و دریافت حمایت‌های اجتماعی می‌شود و زنان از این طریق است که می‌توانند احساس استقلال مالی و مشارکت فعال‌تر در مسائل اقتصادی خانواده داشته باشند.

از طرف دیگر، توجه به این نکته حائز اهمیت است که ایفای نقش‌های متعدد اجتماعی، همسری، مادری و ... توسط زنان به علت تعارض نقش‌ها، فشار کاری مضاعف و عدم انعطاف ساعات کاری می‌تواند تاثیر منفی بر سلامت روان بانوان داشته باشد و منجر به بروز علائم اضطرابی، افسردگی، جسمانی و ... در آنها شود.

در مجموع می‌توان گفت که عوامل متعددی در تعیین اینکه آیا اشتغال زنان موجب ارتقای سلامت روان آنها می‌شود و یا آسیب روانی را به دنبال دارد، نقش دارد. سلامت روان بانوان، بیشتر از اینکه متأثر از تعدد نقش‌ها باشد، از کیفیت هر نقش اثر می‌پذیرد. در همین راستا، نمی‌توان نقش نوع شغل، ساعات‌های

کاری، منابع حمایتی، میزان مشارکت اعضای خانواده در امور مختلف و سایر عوامل را نادیده گرفت که همگی در مجموع تعیین‌کننده سود و زیان اشتغال بانوان هستند.

۳. تاثیر رده و جایگاه شغلی بر سلامت روان زنان شاغل چیست؟

ارتقای جایگاه شغلی در هر سازمانی با افزایش مسئولیت و فشار کاری مضاعف همراه خواهد بود. از آنجایی که زنان در مقایسه با مردان، بیشتر تحت تاثیر اختلالات اضطرابی و افسردگی قرار می‌گیرند، می‌توان گفت که این افزایش مسئولیت ممکن است سلامت روان و بهزیستی زنان را تحت تاثیر قرار دهد. چنان که در تعدادی از پژوهش‌های داخلی و خارجی نیز این ارتباط معنادار گزارش شده است که مدیران یک مجموعه در مقایسه با کارشناسان، تحت فشار روانی بیشتری قرار می‌گیرند که علاوه بر شخص، ممکن است روابط خانوادگی و اجتماعی او را نیز تحت تاثیر قرار دهد.

۴. آسیب‌های روانی و آسیب‌های جسمانی ناشی از اشتغال تا چه حد متأثر از یکدیگرند؟

همواره تاثیر دوجانبه‌ی ذهن-روان مورد توجه دانشمندان علوم انسانی و علوم پزشکی بوده است. در همین راستا، آسیب‌ها و فشارهای روانی از دو مسیر می‌توانند بر سلامت جسمانی افراد اثرگذار باشند؛ یک مسیر از طریق تاثیر بر سیستم عصبی خودکار و به دنبال آن، ایجاد اختلال در عملکرد دستگاه‌های مختلف بدن از جمله دستگاه گوارش و ایجاد بیماری‌هایی نظیر بیماری‌های التهابی روده، و مسیر دوم از طریق تاثیر استرس بر سیستم ایمنی بدن که می‌تواند احتمال ابتلا به بسیاری از بیماری‌های خودایمنی، عفونی و التهابی را افزایش دهد. از سویی دیگر، ابتلا به بیماری‌های جسمانی ناشی از شغل مانند مشکلات ستون فقرات، به طور مستقیم بر بهداشت روان افراد اثر می‌گذارد و می‌تواند به عنوان یک عامل فشارزا، منجر به آسیب‌های روانی و جسمانی بعدی شود. در نتیجه، خودمراقبتی در هر دو سطح جسمانی و روانی در شرایط شغلی، بسیار حائز اهمیت است.

۵. آیا آسیب‌های روانی در زنان متأهل و دختران مجرد تفاوت دارند؟

تاثیر حمایتی ازدواج می‌تواند نقش مهمی در کاهش و پیشگیری از اختلالات روانی ایفا کند. در واقع، پیوند قوی با همسر و تشکیل شبکه حمایتی گسترده می‌تواند احتمال بروز افسردگی را در افراد کاهش دهد. دختران مجرد در مقایسه با هم‌متایان متأهل خود، از درجه حمایت اجتماعی کمتری

برخوردار هستند. از طرفی، فشارهای اجتماعی، اقتصادی و روانی وارد بر افراد نیز در پی ازدواج ممکن است کاهش پیدا کند. چنان که اداره بهداشت آمریکا نیز بیان می‌دارد که بین ازدواج و سلامت روان افراد ارتباط معناداری برقرار است و ازدواج مانند یک سیستم ضربه‌گیر در مقابل بروز اختلالات روانی عمل خواهد کرد.

البته توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که افراد با چه پیشینه فرهنگی، اجتماعی، روانشناختی و اقتصادی و همچنین با چه میزان مهارت بین‌فردی وارد زندگی زناشویی می‌شوند. در واقع، آنچه که تضمین‌کننده پیامدهای مثبت مذکور در امر ازدواج است، انتخاب همسری شایسته بر پایه ملاک‌های منطقی است.

۶. تاثیر آسیب‌های روانی ناشی از کار، بر زنان و مردان شاغل چگونه است؟

آسیب‌های روانی ناشی از کار، هم برای مردان و هم برای زنان تاثیرات ناگواری به همراه دارد که برخی از آنها به دلیل تبعیض‌های جنسیتی ادراک شده از سوی هر دو جنس در محیط کار رخ میدهد. با این حال، زنان و مردان ممکن است هر کدام به شیوه‌های متفاوتی این آسیب‌ها را تجربه کنند و نحوه‌ی مقابله با آن در دو جنس متفاوت باشد؛ به عنوان مثال آسیب‌های روانی ناشی از کار در زنان ممکن است بیشتر بر روابط بین‌فردی آنها تاثیر داشته باشد و بروز بیرونی هیجانی آن آسیب برای آنها برجسته‌تر باشد؛ در حالی که مردان ممکن است بیشتر به سمت جسمانی‌سازی آن فشار روانی و یا جابه‌جایی خشم تجربه شده به موضوع دیگری نمایش داده شود. بنابراین، در محیط شغلی باید به این تفاوت‌های جنسیتی و در یک نگاه کلیتر، تفاوت‌های فردی توجه نمود.

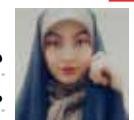
۷. آسیب‌های روانی در زنان متأهل چه تاثیری بر خانواده و تربیت فرزندان دارد؟

کودکان به عنوان آینه تمام‌نمای والدین هستند و پدر و مادر نقش به‌سزایی در حفظ و ارتقای سلامت روان کودکان دارند. فرزندان از طریق پدر و مادر است که خود و دنیای اطراف را می‌شناسند، آن‌ها از والدین خود الگو می‌گیرند و همواره تحت تاثیر پیام‌های خودآگاه و ناخودآگاه پدر و مادر قرار دارند که تمام این موارد بر رشد و تربیت فرزندان اثرگذار است. در همین راستا، اگر والد با انواعی از نابهنجاری‌های روانی دست و پنجه نرم کند، این نابهنجاری به شکل‌های مختلفی بر روان و شخصیت کودک تاثیرگذار است و شاهد انتقال بین‌نسلی آسیب خواهیم بود. در نتیجه، حفظ و ارتقای سلامت روان والدین منجر به ارتقای سلامت روان در فرزندان و در نهایت سلامت جامعه خواهد شد.



# اشتغال اهرم فشار

## چالش‌های روانی مادران شاغل



فاطمه یک‌دولتی  
مطالعات خانواده

در جهان امروزی و تغییر و تحولاتی که رخ داده است، واقف هستیم که مادر بودن نیز یک نوع چالش محسوب میشود، چه بسا علاوه بر وظایفی که در خانه و خانواده عهده‌دار است باید نقش خود را در مسئولیت شغلی نیز به درستی ایفا کند، لذا به این موضوع هم باید توجه داشت، که او همسر و مادر است، مهم‌تر از همه او یک زن است زنی که در کنار تحصیلات و اشتغال، از عهده نقش‌های خانوادگی که بر دوش دارد به خوبی بر آمده است. بحث اشتغال مادران همواره با چالش‌هایی همراه بوده است که در ادامه مطلب به آنها خواهیم پرداخت.

زنان حضور مؤثر و نقش پر رنگی در همه عرصه‌های جامعه اعم از هنری، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی داشته‌اند و دارند. اشتغال مادران با فشارهای روحی و روانی و خستگی زیاد همراه است که اگر این فشارها غیر قابل کنترل شوند و به محیط خانه و خانواده نفوذ کنند در نقش او به عنوان مادر و حتی همسر ممکن است خللی ایجاد کند. در واقع سختی‌های یک مادر شاغل درست زمانی شروع می‌شود که علاوه بر وقت و انرژی که در محل کار خود بایستی صرف کند او نیز باید وقت معینی را برای تربیت فرزندان و رسیدگی به امور منزل در نظر بگیرد در عین حال چنانچه ایشان با در نظر داشتن اولویت‌ها در چارچوبی برای تمامی کارها برنامه‌ریزی دارند که با طبع و خوی آنها سازگار است.

به طور کلی این فشارها در مادران شاغل گاهی تبدیل به احساس گناه می‌شود که او را در موقعیت‌هایی وادار به باج دادن به فرزندان می‌کند که این امر باعث بروز مشکلاتی نیز می‌شود. مسئله‌ای که بیشتر افراد بر آن متمرکز هستند فشار روانی مادران شاغل کودکان عقب مانده ذهنی است. اینگونه مادران بیشتر در معرض خطرات روانی مانند افسردگی،

نداشته باشد و مهم‌تر از همه کیفیت رابطه بین مادر و دیگر اعضای خانواده و وابستگی که میان ایشان وجود دارد نیز کمتر شود؛ این امر مطمئناً فشارهایی از جنس ناراحتی و ترس و ..... برای مادر بوجود می‌آورد.

فشارهایی مانند مسئولیت‌های سنگین و حائز اهمیت خانه و خانواده و مسئولیت شغلی باعث میشود سلامت روان مادر شاغل در معرض خطر قرار بگیرد. لکن بر خلاف آثار جسمی و روانی اشتغال بر بانوان؛ بسیاری از مادران شاغل با انجام مسئولیت شغلی خود، مستقل بودن را به فرزند یا فرزندان آموزش می‌دهند در نتیجه کودک مسئولیت‌پذیر و حتی در بعضی از مواقع سخت کوش و سر سخت نیز می‌شود، که می‌تواند تربیت صحیح را بدنبال داشته باشد و در نتیجه مادر با مشاهده این چنین آثار مثبتی می‌تواند احساس خوب و رضایتمندی کامل نسبت به این موضوع داشته باشد. اشتغال برای برخی از مادران باعث افزایش روحیه، اعتماد به نفس و شادی است که به راحتی بر سلامت روان مادر نتیجه مثبت و مفیدی را به دنبال خواهد داشت.

اضطراب، ترس، نگرانی و ..... قرار می‌گیرند. آیا به همان میزانی که مادران شاغل کودکان عادی موفق و پیشرفت مثبتی دارند، اینگونه مادرهای شاغل ( کودکان عقب مانده ذهنی ) هم می‌توانند به آن موفقیت دست یابند یا این مسئله تا حدودی مانع پیشرفت آنها می‌شود؟! جای بحث وجود دارد در مورد اینگونه مادران شاغلی که با فشار های روانی زیادی روبه‌رو می‌شوند و هر از گاهی مجبور به تحمل و یا فرار از آنها هستند.

برای اینگونه مادر ها بحث اشتغال و نگهداری از فرزند (عقب مانده ذهنی) می‌تواند پیامدهای نچندان مطلوبی بر سلامت روانی کودکان خود نیز داشته باشد صرفاً باید به این موضوع توجه داشت که ایجاد مشکل در سلامت روانی کودک عقب مانده می‌تواند شدیداً بر روح و روان مادر نیز اثر منفی بگذارد بطور کلی مادران چنین کودکان نسبت به مادران شاغل کودکان عادی با چالش‌های روانی بیشتری روبه‌رو می‌شوند.

مادران شاغل برای رسیدن به تمامی امور به طور منظم و به نحو احسن گاهی مجبور هستند کودکان خود را به پرستار کودک بسپارند، و یا در مهد کودک‌ها بگذارند. اشتغال مادر باعث سنگین‌تر شدن کارهای او است و این امر مخصوصاً در خانواده‌هایی که تمامی امور تجاری را بر دوش مادر گذاشته‌اند می‌تواند دو برابر باعث ایجاد فشارهای سخت و طاقت‌فرسا بشود .

اشتغال مادران باعث فشار روحی و روانی و خستگی زیادی می‌شود و احتمال ورود این خستگی‌ها به محیط خانه نیز زیاد است و تنش‌هایی در رابطه با فرزند و همسر ایجاد کند، مادر با وجود تمام فشارهای شغلی ممکن است حوصله و انرژی لازم برای سپری کردن همان مدتی که در کنار آنها است را



# بازی اشتغال با سلامت جسم

## آسیب‌های جسمانی و فیزیولوژیک ناشی از اشتغال بانوان

مریم امیرخانلو  
مطالعات خانواده



محیط کار زنان ایمن و کم خطر تلقی می‌شود و انگیزه انجام تحقیق درباره آن نیز بسیار کم است. با این حال برخی از افراد و موسسات، تحقیقات و مطالعاتی بر روی مکان کار زنان انجام داده‌اند که نشان می‌دهد زنان در حد مردان با عوامل زیان‌آور محیط کار در تماس بوده و نیازمند توجه و مراقبت بیشتری هستند.

### پیامد منفی اشتغال زنان

زنان از نظر فیزیولوژیکی توانایی کمتری دارند و مسئولیت و رنج و زحمات طاقت‌فرسای تولید نسل از لحاظ طبیعت به عهده زن گذاشته شده است و زنان باید بیماری ماهانه را سالیان سال که از تبعات تولید نسل است تحمل کند و همچنین سنگینی دوره بارداری و بیماری مخصوص این دوره و سختی زایمان و عوارض آن را نیز تحمل کنند، کودک را شیر بدهد و پرستاری کند و تمام اینها از نیروی بدنی و عضلانی زن می‌کاهد و توانایی او را در کار و کسب کاهش می‌دهد. از این رو زنان شاغل به علت قبول مسئولیت مضاعف اجتماعی و خانوادگی، همواره در معرض انواع تنش‌های روحی و جسمی قرار دارند.

### وضعیت فعالیت جسمانی در بین زنان شاغل

پژوهش مقطعی که بر روی ۲۳۰ زن شاغل انجام شده است و نتایج اطلاعات بدست آمده نشان داده است که: تنها ۸٫۷ درصد بانوان روزانه و بطور منظم ورزش می‌کنند. ۲۵٫۷ درصد از آنان نامنظم ورزش می‌کنند و بالغ بر ۶۵ درصد زنان شاغل تحرک کافی نداشته‌اند.

### اختلالات کاری و برخی از عوامل آن

یافته‌های جدید علمی نشان می‌دهد، عوامل فیزیکی مثل سر و صدا و ارتعاش کاهش شنوایی را به دنبال خواهد داشت و عوامل زیان‌آور شیمیایی باعث بیماری‌های انقباض عروقی تروماتیک، مسمومیت‌ها، سرطان‌ها، آلرژی‌ها و آسیب‌های

اشتغال زنان، قدمتی به اندازه عمر بشر دارد و مسئله جدیدی نیست. این فعالیت در دوران قدیم نسبت به دوران مدرن دارای تفاوت است، برای مثال امروزه اشتغال در صنعت، کارخانه و ادارات برای ایجاد درآمد در ساعات معین و خارج از محیط خانه است که با اشتغال در زمین کشاورزی و پرورش دام در زمان قدیم فرق دارد.

### دیدگاه سلامتی

یکی از مهم‌ترین مشکلات جوامع کاهش فعالیت فیزیکی در بین افراد است. متأسفانه علی‌رغم فواید زیادی که در سلامت جسمانی و روانی دارد همچنان بسیاری از افراد فعالیت بدنی کافی ندارند. فعالیت جسمانی در حد متوسط خطر ابتلا به مرگ و میر و بیماری‌های قلبی را کاهش می‌دهد، تاثیر بسیار زیادی بر فشار خون بالا، دیابت نوع دو، استئوپروز (پوکی استخوان)، سرطان کولون (سرطان روده بزرگ) و چاقی دارد.

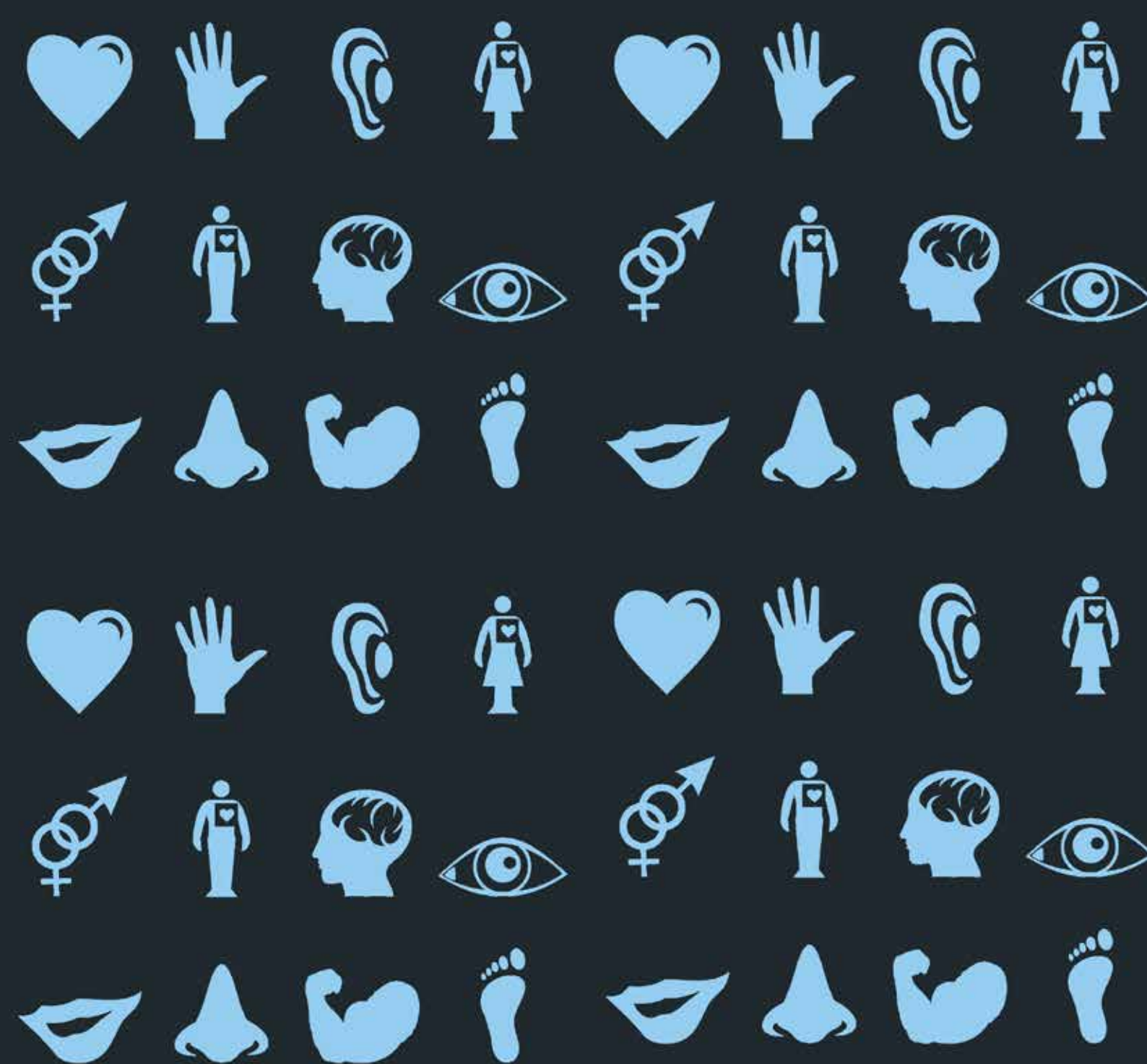
### تفاوت‌های زیستی در زنان و مردان:

تفاوت‌های زیستی - بیولوژیکی و فیزیولوژیکی بین جنس زن و مرد باعث شده که از نظر جسمی و جنسی با هم تفاوت داشته باشند. برای مثال: تفاوت در دستگاه تولید مثل، دوران قاعدگی، بارداری، زایمان، بلوغ و یائسگی در زنان؛ باعث می‌شود بعضی از ویژگی‌ها مانند بارداری تنها مختص زنان، و همچنین داشتن قدرت و نیروی بالا و انجام کارهای سنگین مختص مردان باشد.

امروزه حضور زنان در محیط‌های کاری امری بدیهی است. زنان شاغل نقش‌های متعددی را در زندگی بر عهده دارند که گاهی انجام این وظایف آنها را در معرض تعارضات جدی قرار می‌دهد و برای آنها آسیب روحی و جسمی ایجاد می‌کند.

### محل کار زنان

در کشور ما خطرات موجود در محل کار زنان ناشناخته مانده است و به آن توجه خاصی نمی‌شود؛ حال علت این است که



# سرویس فیزیولوژی:



دستگاه عصبی می‌شود و عوامل ارگونومیکی باعث استرس ذهنی، آسیب‌های کششی و کاهش بهره‌وری و کیفیت کارشده. عوامل خطر مکانیکی باعث حوادث و آسیب‌های ناشی از کار می‌شود.

آثار فیزیولوژیکی و روانی در زنان نسبت به مردان بیشتر است و در مدت طولانی پیامدهای منفی از جمله خستگی جسمی - روانی، استرس، سرگیجه، سردرد، عصبانیت، حواس پرتی، اختلال خواب، کاهش بازدهی کاری، تغییر ضربان قلب و فشارخون را شاهد خواهیم بود. همچنین زنان از اختلالات اسکلتی و عضلانی بیشتری به خصوص در اندام‌های فوقانی (اجزای دست) رنج می‌برند و تماس طولانی با مواد شیمیایی باعث کاهش باروری و زایمان و در زنان باردار باعث ایجاد اثرات منفی بر روی نطفه و جنین می‌شود که این عوامل و دیگر عوامل فرسودگی (ناکارآمدی) شغلی را در افراد بوجود می‌آورد که یکی از عوامل اساسی از دست دادن نیروی

انسانی، ایجاد کننده عوارض جسمی، روانی و کاهش کارایی افراد است. با توجه به شیوع بالای بی تحرکی در بین زنان لزوم تشکیل کلاس‌های آموزشی برای آنان ضروری به نظر می‌رسد. همچنین پیش‌بینی مناسب در خصوص تدارک امکانات و تسهیلات مناسب ورزشی برای کارکنان می‌تواند به ارتقای فعالیت بدنی در بین آنان منجر شود.

از این رو با توجه به توانایی‌ها و سیستم بدنی و فیزیولوژیکی زنان که دارای لطافت‌های خاص خویش است. حضور در برخی از مشاغل که منجر به این بیماری‌ها می‌گردد؛ عوارض ناگواری بر جسم و روح زن وارد می‌آورد که گاه جبران‌ناپذیر است. با تمام این تفاسیر و اشاره به مشکلات موجود و با آرزوی سلامتی برای تمامی افراد شاغل اعم از زن و مرد، باید اشاره کرد که توجه جدی مسئولین و دست‌اندرکاران وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی کشور جهت پیشگیری یا برطرف نمودن مشکلات موجود، به خصوص در بخش زنان ضروری می‌باشد.

# سرطان تخمدان این بیماری مرگ‌روز سرطان تخمدان چیست؟



زهرا سریاک  
مکانیک

در بدن زنان دو تخمدان وجود دارد که وظیفه تولید تخمک و ترشح هورمون‌های استروژن و پروژسترون را بر عهده دارند. سرطان تخمدان در مراحل اولیه از سلول‌های پوششی تخمدان یا لوله رحم آغاز شده و با پیشرفت بیماری، گسترش یافته و منجر به آسیب دیدن سایر اندام‌های بدن می‌شود. این بیماری نیز مانند تمام بیماری‌ها، اگر در در مراحل اولیه تشخیص داده شود؛ احتمال بهبودی و حاصل شدن سلامت کامل بیمار بیشتر است.

## انواع سرطان تخمدان:

انواع سرطان تخمدان با توجه به نوع سلول و موضع درگیری متفاوت است. این بیماری را می‌توان در سه گروه طبقه بندی کرد:

**تومور های اپیتال:** لایه نازک بافت خارجی تخمدان و سلول‌های سطحی تخمدان را درگیر می‌کند. حدود ۹۰ درصد ابتلاات سرطان تخمدان مربوط به این نوع است.

**تومور های استروما:** منجر به تشکیل بافت تخمدانی حاوی سلول‌های تولید کننده هورمون می‌شود. این نوع تومورها نسبت به سایر انواع، در مراحل اولیه بیماری راحت‌تر تشخیص داده می‌شوند. حدود ۷ درصد از ابتلاات به این نوع تومور اختصاص می‌یابد.

**تومور سلول‌های جنینی:** این نوع از سرطان تخمدان بسیار نادر بوده و بیشتر در زنان جوان و کم سن وسال دیده می‌شود.

## نشانه‌ها و علائم:

از نشانه‌های ابتدایی این بیماری می‌توان به احساس نفخ یا فشار در شکم، درد شکم یا لگن، کمردرد، سوء هاضمه یا سوزش سر دل، حالت تهوع، تنگی نفس، خستگی و کم اشتهاپی و همچنین تکرر ادرار اشاره کرد که همه و همه نشانه‌های عمومی هستند که اغلب با بیماری‌های دیگر اشتباه گرفته می‌شوند.

## زمینه‌های ابتلا به بیماری:

۱- سن: مهم‌ترین فاکتور در افزایش احتمال ابتلا به سرطان تخمدان، افزایش سن می‌باشد. علی‌الخصوص پس از یائسگی خطر ابتلا به این نوع سرطان بسیار بیشتر می‌شود.

۲- درمان‌های هورمونی: زنانی که به مدت بین ۱۰-۵ سال تحت درمان‌های هورمونی قرار می‌گیرند، بیشتر در خطر هستند و باید به صورت منظم جهت کنترل سلامت و عدم ابتلا به بیماری به پزشک زنان مراجعه کنند.

۳- چاقی: علاوه بر تمام مضرات چاقی و اضافه وزن، باید توجه داشت که خطر ابتلا به سرطان تخمدان در زنان دارای اضافه وزن بالا، بیشتر است. همچنین متاسفانه آمار مرگ و میر ناشی از ابتلای به این بیماری نیز در زنان چاق بیشتر از زنان با وزن مناسب است.

۴- سابقه خانوادگی: تغییرات ژنتیکی موروثی عامل ابتلای ۱۰ درصد از بیماران به سرطان تخمدان است. زنانی که در میان بستگان نزدیک خود سابقه ابتلا به سرطان پستان، سرطان تخمدان و یا سرطان روده داشته‌اند، بیشتر در معرض خطر هستند و باید به طور منظم و در بازه‌های مشخص جهت کنترل سلامت به پزشک متخصص زنان مراجعه کنند.

گفته می‌شود زنانی که تخمک‌گذاری بیشتری داشته، یا تا به حال فرزندی نیاورده‌اند نیز در معرض خطر ابتلا به این بیماری قرار دارند.

## راه‌های شناسایی بیماری:

متاسفانه هیچ آزمایش ساده و مطمئنی برای شناسایی این بیماری مخصوصا در مراحل اولیه آن وجود ندارد.

۱- **آزمایش های غربالگری:** تنها دو نوع آزمایش غربالگری برای شناسایی این بیماری وجود دارد، یکی از طریق سونوگرافی تخمدان و دیگری بررسی میزان پروتئین CA-۱۲۵ در نمونه خون فرد مشکوک به بیماری که متاسفانه هیچ یک از این روش‌ها برای زنان فاقد زمینه بیماری و دارای ریسک متوسط ابتلا به بیماری، مناسب نیست و آزمایشات غربالگری تنها برای کسانی توصیه می‌شود که حداقل یک مورد از زمینه‌های بالا را دارا باشند.

۲- **آزمایشات تصویر برداری:** آزمایشات تصویربرداری مانند سونوگرافی و سی تی اسکن و لاپراسکوپی می‌توانند رشد غیر عادی سلول‌های تخمدان را تشخیص دهند و در صورت وجود پولیپ، ضایعه گوشتی، قارچ تناسلی یا توده خوش خیم یا بدخیم، آن را شناسایی کنند، اما متاسفانه این اسکن‌ها در تشخیص سرطانی بودن یا نبودن این ناهنجاری‌های سلولی هیچ نقشی ندارند.

۳- **بایوپسی (biopsy):** در صورت مشکوک بودن فرد و درصد بالای احتمال ابتلا به بیماری، با نمونه برداری از بافت آسیب دیده و بررسی نمونه در آزمایشگاه، ابتلای فرد به سرطان تخمدان مشخص می‌گردد.

## مراحل پیش روی سرطان تخمدان:

این بیماری دارای چهار مرحله می‌باشد. در مرحله اول بیماری، درگیری محدود به یک یا دو تخمدان می‌باشد. در مرحله دوم غدد سرطانی و ناهنجاری سلولی به ارگان‌های نزدیک تخمدان مانند رحم سرایت می‌کند. در مرحله بعد غدد لنفاوی و شکم درگیر می‌شوند و نهایتا در مرحله چهارم اندام‌های دور تر نظیر شش یا کبد در معرض خطر قرار می‌گیرند.

## درمان‌های رایج:

۱- **عمل جراحی سرطان تخمدان:** اولین مرحله درمان این بیماری عمل جراحی سرطان است که طی آن غده سرطانی و بافت آسیب دیده از بدن خارج می‌شود.

۲- **شیمی درمانی:** در صورتی که بعد از عمل جراحی هنوز آثاری از ناهنجاری سلولی مشاهده شود، با مصرف دارو‌ها -یا به صورت خوراکی و یا به صورت تزریقی وریدی یا شکمی- اقدام به کشتن باقی مانده تومور و جلوگیری از رشد مجدد آن می‌شود.

۳- **درمان‌های هدفمند:** پژوهشگران به دنبال یافتن راه درمانی به منظور مسدود کردن راه رشد مجدد سرطان می‌باشند. یکی از روش‌های نو و ابداع شده، فرآیند رگ‌زایی است که طی آن یک رگ خونی جدید جهت مصرف تومور ایجاد می‌شود. همچنین آواستین نوعی دارو است که به منظور جلوگیری از رشد مجدد تومور به بیماران سرطانی توصیه می‌شود اما در رابطه با سرطان تخمدان، هنوز در مرحله آزمایش به سر می‌برد و پیش‌بینی می‌شود که اثرات جانبی جدی روی بیمار داشته باشد.





## معرفی کتاب:

# «زنان شاغل مادران فداکار»

داشتن شغل افتخاری بزرگ برای زنان یا رازهایی  
برای موفقیت و صعود در شغل و کار بانوان

فاطمه ثابتی

مطالعات خانواده



پلکان‌های ترقی صعود کنید .

پژوهشگرانی که پیشرفت افراد نابغه را مورد مطالعه قرار داده‌اند مشاهده کردند که حداقل ده سال، برای رسیدن به اوج موفقیت لازم است. در این کتاب حتی در مورد جراحی زیبایی حرف می‌زند و می‌گوید: اغلب اوقات ما به جراحی زیبایی روی می‌آوریم از آن رو که احساس خوبی و شایستگی نداریم تنها با انجام عمل زیبایی، ما هرگز نمی‌توانیم احساس کنیم که نیکو و شایسته‌ایم. عمل جراحی باورهای ما را مداوا نمی‌کند.

یکی دیگر از مراحل که داخل کتاب نام برده شده مراحل پنجگانه ثروت می‌باشد این مراحل برای آن است که از تمام توان خود استفاده کنید. حالتی در خود ایجاد کنید که به موفقیت منجر شود: اولین کلید این است که با یاس و دلسردی مبارزه کنید دلیل آن این است که دلسردی برداشت‌های مثبت را به منفی و قدرت روحی را به ضعف مبدل می‌کند کلید بعدی غنی‌وار اندیشیدن است. در کلید سوم شما باید از پاسخ منفی نهراسید دلیل این موضوع این است. که ما معمولا در پاسخ منفی می‌ترسیم و فرار می‌کنیم در صورتی که هرچه به ما پاسخ منفی بدهند به نفع ما خواهد بود. چون برای ما آموزنده است و باعث می‌شود. بیشتر به موفقیت نزدیک بشویم کلید بعدی به این شرح است به آسایش خاطری که به دست می‌آورد قانع نباشید کسی که زیاد احساس راحتی کند از رشد تلاش و خلاقیت باز می‌ماند لذا به دنبال راحتی مطلق نباشید آخرین کلید ثروت یک کلید سه گانه است: ۱- پول پس انداز کنید (کلید رسیدن به ثروت پس انداز کردن است) ۲- انفاق کنید و نوع دوست باشید ۳- پیش از آنچه می‌گیرید بدهید این نکته از همه نکات قبلی مهم‌تر است زیرا ضامن سعادت حقیقی است و سخاوت به زندگی انسان معنا می‌دهد.

در انتها با قسمتی از کتاب سخن را به پایان می‌بریم:

زنان باید بدانند که تنها با اراده کردن، استفاده کردن از راه کارهای حرفه‌ای در یک شغل، توجه به وضعیت سلامتی و روحی خود، شناخت کافی از وضعیت شغلی و چگونگی وضعیت جاری و اتکا به خداوند می‌توانند زندگی آرام را برای خود تدارک ببینند.

نویسنده کتاب آقای رضا یادگاری است. کتاب حاضر در سال ۱۳۹۴ از انتشارات کار آفرینان بزرگ به چاپ رسیده است. این کتاب نخستین کتاب راهنمای جامع کار و زندگی برای زنان بر مبنای استفاده و انتقال تجربه‌های زنان قدرتمند و البته الگوگیری از این بانوان می‌باشد.

کتاب زنان شاغل مادران فداکار را به بانوانی توصیه می‌کنیم که شغلی در حال حاضر دارند و یا می‌خواهند در آینده شغلی داشته باشند و یا افرادی که هنوز با داشتن شغل بانوان مخالف هستند. دیگر زمانی رسیده که نمی‌توان نقش موثر زنان در جامعه را نادیده گرفت بسیاری از مشاغل به توانمندی زنان نیازمند هستند به خصوص مشاغلی که به دقت و ظرافت نیاز دارند.

در ابتدا کتاب به زنان و تاریخچه شغل در آنها می‌پردازد و به نقش بزرگ و تاثیرگذار زنان در تاریخ نیز اشاره می‌کند سپس به چگونگی توانمندسازی زنان در این عرصه می‌پردازد و اینکه این ویژگی برای بانوان داشتن تفکر موفقیت‌آمیز است. در کتاب مراحل را نام می‌برد که بانوان با انجام این کارها می‌توانند تفکری موفقیت‌آمیز داشته باشند. شامل ۵ مرحله می‌شود: در ابتدا در وجود خود خلا ایجاد کنید فضایی برای دریافت خواسته‌هایتان. در مرحله دوم به موفقیت ایمان داشته باشید. در مرحله بعد تصویری ذهنی از آنچه مطلوب و خوشایند شما است تهیه کنید و در مرحله چهارم، شفاها با قاطعیت و به طور روزانه شروع به اظهار و اذعان تجلیات الهی خواسته خود کنید؛ البته در آخر موفقیت خود را ابزار کنید و در این کار پافشاری داشته باشید به این معنا که کارهای روزانه را انجام دهید و به گونه‌ای عمل کنید که گویی موفق شدید.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم: موفقیت شکل‌های متفاوتی داشته و نیاز به مهارت گوناگون بر حسب نوع اهدافی دارد که شما برای خود تعیین می‌کنید. قدرت تعامل و ارتباط قوی با مردم از عوامل مهم در کسب و کار موفق است متأسفانه بسیاری از مردم انزوا و تک روی را می‌پذیرند و به این نکته توجه نمی‌کنند که تعامل قوی شما را به هدف نزدیک می‌کند به این معنا که قدرت تعامل باعث می‌شود هر روز به حامیان خود بیفزایید و سریع‌تر از حد تصورات خود از

# سرویس فرهنگی-هنری:



# شکست برای او بی معنی است تحلیل فیلم جوی (Joy)

فاطمه ثابتی

مطالعات خانواده



جوی (Joy) به نویسندگی و تهیه کنندگی اوراسل در سال ۲۰۱۵ در ایالت متحده ساخته شده و نامزد دریافت جایزه گلدن گلوب بهترین فیلم موزیکال یا کمدی شده است.

داستان موفقیت‌های زندگی جوی مانگانو در دهه ۹۰ میلادی برای زنان خانه دار در ایالت متحده امریکا بود که توانستند کسب و کار خود را رونق ببخشند و در بازار اقتصادی حضور فعال تری داشته باشند. او جزء ۱۰ زن برتر در تجارت و البته ۱۰۰ نفر خلاق در تجارت است مانگانو در دوران جوانی شغل‌های زیادی را تجربه کرده از جمله پیشخدمتی رستوران و روزهای سختی را به تنهایی با سه فرزند خود گذراند. اما وی در دهه ۹۰ میلادی زمین شوری منحصر به فرد را طراحی کرد که موفق شد بازار را در دست بگیرد.

مشکلاتی که در طول دوران پیشرفت مانگانو برای او رخ داد و مخصوصا اتفاقات عجیبی که پشت سر گذاشت، موضوع بسیار خوبی برای ساخت یک اثر محسوب می‌شد که در نهایت دیوید او راسل تصمیم به ساخت آن اثر گرفت.



فیلم جوی فیلمی در جنبه‌ی کمدی و تخیلی نیست بلکه سراسر درام است فیلمی که زندگی واقعی را بدون هیچ فیلتری نشان می‌دهد. فیلم داستان دختری را روایت می‌کند که بسیار خلاق و خیال پرداز است این دختر که در کودکی ارزو داشت که روزی مخترع شود بعد از ۱۷ سال به یکبارہ می‌بیند که ازدواج کرده صاحب دو فرزند است و مسئولیت کل خانواده در دست او است.

او در خانواده‌ای بزرگ شد که اصلا خانواده مناسبی نبود مادرش در زندگی متوقف شده و در عالم خیال به سر می‌برد پدر جوی فقط سر بار او بوده و هست و در خانه ی جوی زندگی می‌کند همسر جوی نیز همانند پدر جوی یک انسان بی‌مسئولیت است او که شغلی ندارد فقط برای جوی مشکل می‌سازد خواهر جوی زنی بازنده است او به جوی حسودی می‌کند و چند باری از پشت خنجر به جوی می‌زند او احساس می‌کند که جوی رقیب او است و اصلا برایش مهم نیست که او در چه شرایطی است فقط می‌خواهد به جوی ضربه بزند به هر قیمتی که باشد. نقش بسیار تاثیر گذار در فیلم مادر بزرگ جوی است که دائما به او انگیزه می‌دهد.

در سکانس اول فیلم زنی را می‌بینیم که در عین حال که باید سر کار برود باید کار مادر خود را هم انجام دهد و البته به بچه‌های خود رسیدگی کند زنی که بسیار مسئولیت دارد. سردرگم است و نمی‌داند باید چه کند.

در سکانس بعدی فیلم جوی سر کار خودش است و باید با انبوهی از مردم دست و پنجه نرم کند و البته با رئیس که خطاب به او می‌گوید باید از این به بعد شیفت شب کار کند. سکانس‌ها پی در پی می‌گذرند تا اینکه جوی از این وضع خسته می‌شود و می‌خواهد از تمام مسئولیت‌هایی که بر سرش ریخته رها شود این سکانس حیاتی فیلم است می‌خواهد کمی هم به خودش برسد به آرزوی مخترع شدن که در کودکی داشته است.

او زمین شور جالب و منحصر به فردی طراحی می‌کند که

می‌تواند نظر مساعد زنان خانه‌دار زیادی را به خود جلب نماید. جوی با زحمت فراوان موفق می‌شود تا تعداد زیادی از این زمین شورها را بفروشد اما موفقیت اصلی او زمانی به وجود می‌آید که او به شبکه voc می‌رود و با تبلیغ اختراع خود فروش آن را ۱۰۰۰ برابر می‌کند.

با تمام سختی‌هایی که طی می‌کند در نهایت می‌تواند اختراع خود را ثبت کند و البته آن را بفروشد و این تازه شروع کار جوی است او پس از گذراندن سختی‌های بسیار به طعم شیرین موفقیت دست می‌یابد.

مادر بزرگ، دوست جوی و دختر او کسانی بودند که بسیار به جوی ایمان داشتند حتی در شرایط دشوار باز به جوی از کمکی دریغ نکردند.

لحظه سراسر غم فیلم زمانی بود که جوی مادر بزرگ خود را از دست می‌دهد برای جوی بسیار سخت بود که کسی را از دست بدهد فردی که برای او در زندگی الگو و الهام بخش بود.

او با سختی‌هایی که می‌کشد یک کسب و کار خانوادگی راه می‌اندازد که خانواده و خود را از فرش به عرش می‌برد. جنیفر لارنس (جوی) در این فیلم نقش یک زن شجاع و بی‌باک را بازی می‌کند که حاضر است با تمام سختی‌های پیش رو بجنگد تا به هدف خود برسد این زن نماد زنانی است که سختی‌ها را تحمل می‌کنند و جزئی از زنان موفق در صفحه تاریخ می‌شوند جوی بعد از این اختراع صدها اختراع دیگر داشت و توانست قله‌های موفقیت را یکی پس از دیگری طی کند او به همه‌ی ما نشان داد که می‌شود در شرایط بد زندگی کرد و با تلاش و پشتکار و وضعیت بد را به خوب تغییر داد.



# ساختار شغلی در ظاهر فاقد تبعیض و مانع

## مقاله ای در موضوع اشتغال زنان / عاطفه خادمی، سهیلا صادقی فسایی



خلاصه نویسی: سیده رعنا قبله

مترجمی زبان انگلیسی

بوده است. این مسئله مندی طی سالهای متوالی موجب شده که شاهد شکل‌گیری نظریه‌های مختلف در عرصه نظری و اقدامات متفاوت و مقطعی در عرصه عملی و اجرایی باشیم.

حقوق زنان در عرصه اشتغال اهمیت بسزایی دارد، زیرا زنان در سایه برخورداری از حقوق متقن و قانونی می‌توانند در امنیت شغلی نسبی به سر ببرند و فعالیت کنند. در قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز، توجه به حقوق زنان مدنظر بوده و اصل ۲۱ قانون اساسی دولت را موظف کرده حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین و بسترهای مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او را فراهم کند که منظور از «تمام جهات» در این اصل یک تعبیر عام است و حق اشتغال یکی از مصادیق آن به شمار می‌رود.

موانع اشتغال زنان به طور کلی، در سه دسته قابل تشخیص و تفکیک است.

۱. موانع اشتغال در سطح خرد که به ویژگی‌های فردی و خاص زنان (زیستی) اشاره دارد.

در سطح خرد نداشتن اعتماد به نفس و ناپاوری زنان نسبت به خودشان مانع محسوب می‌شود.

۲. موانع اشتغال در سطح متوسط که به موانع در خانواده اشاره دارد. البته با نهادهایی مانند آموزش و پرورش نیز مواجه هستیم، زیرا زنان را برای پذیرش نقش‌های اجتماعی آماده نمی‌کنند.

۳. موانع اشتغال در سطح کلان که به رویکرد کلان اجتماعی در خصوص اشتغال زنان اشاره می‌کند؛ یعنی ساختار اشتغال که زنان را پس می‌زند و در آن طراحی مشاغل به گونه‌ای است که در ظاهر فاقد تبعیض است، اما در باطن با سایر نقش‌های زنان همچون مادری مغایر است و زنان به صورت اتوماتیک حذف می‌شوند نه رسمی. البته حاکمیت ایدئولوژی مردسالار نیز یکی از موانعی

اشتغال زنان یکی از حوزه‌های مهم مورد توجه در وضعیت اجتماعی آنان بوده است. اهتمام سطوح سیاستگذاری، اجرایی، قانونگذاری و نخبگانی به کم و کیف اشتغال زنان نشان‌دهنده این اهمیت است. ورود زنان به حوزه اشتغال همواره فرازونشیب‌های خاص خود را داشته است، همیشه این فشار برای زنان وجود دارد که بین زن بودن و شاغل بودن تصمیم بگیرند. نگاهی تاریخی به اشتغال زنان نشان می‌دهد که در کلیه جوامع نوعی تقسیم کار مبتنی بر جنس وجود داشته است. اما ویژگی زنان به منزله افراد خانه دار غیرمولد پدیده‌ای است که در مراحل سرمایه‌داری صنعتی نمود پیدا کرده است.

امروزه، توجه به جنسیت به منزله یکی از ویژگی‌های اساسی که تقسیم کار در جوامع معاصر پیرامون آن دور میزند، ضروری به نظر می‌رسد، زیرا حقایقی را در مورد کار زنان برملا می‌کند که در ادامه به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. زنان به شدت درطیف محدودی از مشاغل مانند منشی‌گری، پرستاری، معلمی و خدماتی متمرکز هستند، مشاغلی که عمدتاً زنانه تعریف می‌شود.

۲. یکی از عوامل مهمی که روی تقسیم کار جنسیتی اثر می‌گذارد، بچه‌داری است. به رغم آنکه نرخ باروری به شدت پایین آمده است، هنوز بحث نگهداری از بچه‌ها صرفاً وظیفه زنان تلقی می‌شود و به منزله کاری تمام وقت بر آنها تحمیل می‌شود.

۳. فقدان امکانات زیرساختی مثل مهد کودک‌های مناسب و دولتی باعث می‌شود که شانس ترکیب بین کار، تحصیلات و کارهای داوطلبانه برای زنان کاهش یابد.

۴. یکی از عواملی که در عمل مانعی جدی برای اشتغال زنان به حساب می‌آید، خود سازمان کار است که عمدتاً مردانه است و با تجربیات مردان تطابق بیشتری دارد. به عبارت دیگر، سازمان کار به صورتی است که با وظایف نگهداری از بچه‌ها تداخل می‌یابد. طی چهار دهه گذشته از انقلاب اسلامی ایران، کم و کیف حضور زنان در عرصه اجتماعی همواره مسئله

است که به چند صورت بروز می‌یابد:

۱. ایجاد مانع و جلوگیری از ارتقای شغلی زنان در راستای حفظ موقعیت‌های برتر شغلی مردان.

۲. وجود فرهنگ خودبرترانگاری مردانه در حوزه اشتغال. بنابراین، مشروعیت بخش فرهنگی خلئی است که باید در سطح کلان رخ دهد. ضعف‌های قانونی ساختار اشتغال سازمان کار عمده فاکتورهایی است که مانع ایجاد می‌کند. برخی دیدگاه‌ها معتقدند که زنان خودشان به اشتغال تمایل ندارند. این درحالی است که موانع سطح کلان و متوسط زنان را در سطح خرد به تمایل نداشتن به اشتغال سوق می‌دهد. درک اشتغال زنان بدون اتخاذ رویکردی تاریخی و توجه به تحولاتی که در این حوزه رخ داده است، امکان‌پذیر نیست. نگاهی تاریخی به اشتغال زنان نشان می‌دهد که در کلیه جوامع یک نوع تقسیم کار مبتنی بر جنس وجود داشته است، اما ویژگی زنان، به منزله افراد خانه دار غیرمولد، پدیده‌ای است که در مراحل سرمایه‌داری صنعتی نمود پیدا کرده است. یکی از پیامدهای مهم صنعتی شدن تغییرات مهمی بود که در حوزه جدایی کار از خانه اتفاق افتاد.

محل کار به منزله حوزه‌ای برای رقابت، عقلانیت، دستاورد و کیفیت‌هایی دیده می‌شود که به مردان به عنوان

ساکنان اصلی این قلمرو نسبت داده می‌شود. و برعکس، خانه به منزله حوزه‌ای برای پرورش، اطاعت و کارهای خانگی دیده می‌شود و عمدتاً به زنان نسبت داده می‌شود.

به رغم آنکه شواهد نشان می‌دهد که اگر در بعضی از خانواده‌ها زن کار نکند، خانواده‌ها از عهده مخارج خود بر نمی‌آیند، اما سعی می‌شود که کار زنان غیر مهم جلوه داده شود؛ در حالیکه هیچ مبنای منطقی جهت اینکه تصور کنیم چرا کار زنان نسبت به مردان ثانویه است، وجود ندارد.

کارکردن برای زنان از حیث استقلال مالی و کسب مقبولیت اجتماعی مهم محسوب می‌شود. اما شواهد نشان می‌دهد که زنان عمدتاً در کارهای نیمه وقت، سطح پایین و کم درآمد کار می‌کنند و همواره برای ارتقای شغلی با سقف‌های شیشه‌ای مواجه اند که از سوی ساختار مردانه بر آنها تحمیل می‌شود.

حوزه اشتغال زنان در پژوهش‌های انجام شده بیشتر از آنکه متأثر از نگاه اقتصادی باشد و مشارکت حقیقی زنان در امر اقتصادی را با ابعادش مدنظر قرار دهند، به نگاه سیاسی نسبت به این مسئله می‌پردازد و حتی آنجا که به مشارکت زنان در امر اقتصاد می‌پردازند، به دنبال زمینه‌سازی برای افزایش مشارکت اجتماعی زنان بوده‌اند، زیرا در پرداخت به مباحث مرتبط با مشارکت اقتصادی زنان نگاه حداقلی وجود داشته و در سطح کلان اقتصادی و توسعه‌ای ورود پیدا نمی‌کنند.





# الفبای شاغل مادر

## نیم‌نگاهی به ماجرای دورکاری مادران شاغل

کوثر پاریزی

فلسفه و حکمت اسلامی



در بعضی گفتارها و نوشتارها کارکردن زن به داخل منزل محدود می‌شود و کار بیرون از خانه بر عهده مرد گذاشته می‌شود و البته دلایلی هم برای این تقسیم‌بندی وجود دارد از جمله لطافت، کم‌توانی جسمی زن نسبت به مرد، ویژگی‌های جسمی مخصوص ... که باعث می‌شوند زن نتواند پا به پای مرد کار کند. برخی هم کارکردن زن را قبول ندارند که البته این دسته هم دلایل خود را دارند. یک دسته از افراد هم قائل به این هستند که زن برخی مشاغل را خوب است بر عهده بگیرد و در اجتماع به واسطه این مشاغل حضور داشته باشد ولی برخی دیگر از مشاغل را برای زن ناپسند می‌دانند.

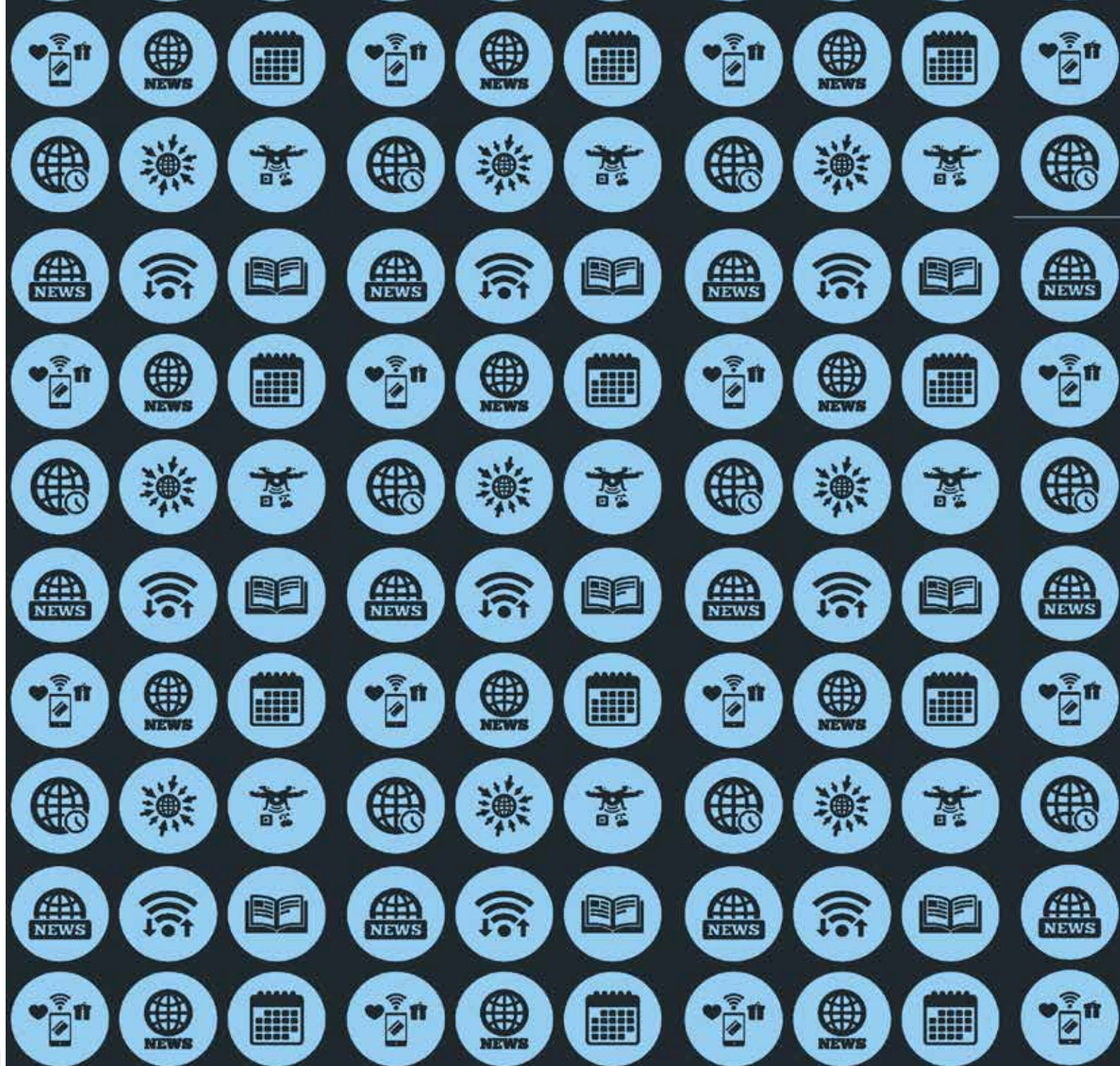
حال در این زمانه کنونی و باتوجه به وضع اقتصادی نامناسب، بسیاری از زنان مجبورند که دوش به دوش مردان جامعه تلاش کنند و در شغل‌های مختلف درآمدی بدست بیاورند و لطافت، وقت ویژه خانواده، فرصت تربیت خانوادگی خوب و... را از دست بدهند. حال هر زن شاغلی با هر دلیلی برای شغلی که انجام می‌دهد یک حق بزرگی را باید ادا کند و آن حق رسیدگی به تربیت و تحصیل و رشد فرزندان است. باتوجه به شرایط ویژه‌ای که در ایام کرونا ایجاد شده است و باتوجه به طولانی شدن این ایام، بسیاری از کودکان مقطع ابتدایی لطمه‌های بزرگی در روند تحصیل خود دیده‌اند. حال باتوجه به حقی که مادر باید ادا کند و باتوجه به شرایط خاص تحصیل برای محصلان چندی پیش خانم دکتر انسیه خزعلی، معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری تصمیمی در این باره گرفت که تیتراخبر شد و آن تصمیم این بود که با اشاره به درخواست‌های مکرر مادران شاغل دارای دانش آموز مقطع ابتدایی برای ادامه یافتن دورکاری. خانم خزعلی گفت: مصوبه سال ۸۹ کمیسیون امور اجتماعی و دولت الکترونیک در خصوص دورکاری عام و شامل است و هیچ منعی برای استفاده از این قانون در خصوص دورکاری زنان دارای فرزند دبستانی یا دبیرستانی و حتی افرادی که فرزند ندارند، وجود ندارد.

دست‌میرزاد به معاونت امور زنان و خانواده که بسیار سنجیده و نیکو عمل کرد و این تصمیم را گرفت. اینگونه تصمیم‌گیری‌ها در واقع به امور فرهنگی، تربیتی و بنیادی کشور کمک بلندمدت شایانی می‌کنند. باشد که همه‌ی وزارت‌های دولت کنونی به مسئله مهم بانوان و خانواده توجه کنند و این امر را در دستور کارهای خود قرار دهند.

مادر که باشی مسئولیت بسیار سنگینی بر دوش داری. اولین مسئولیت یک مادر همسرداری است به گونه‌ای که مولای‌مقیان جهاد زن را همسرداری در بهترین شکل آن می‌داند. مسئولیت دیگر، رسیدگی به امور داخلی خانه و خانواده است که بانوی عالمیان اینگونه پسندید که مرد خارج خانه و زن داخل خانه را اداره کند. دیگر مسئولیت یک بانو فرزندآوری می‌باشد. در باب این مسئله سخن‌های زیادی رفته‌است و این مقال برای پرداختن به آن مختصر می‌باشد و به همین بس می‌کنیم که مادر که شدی بهشت زیر پایت است و گناهانت آمرزیده می‌شوند. حال مسئولیت سنگین‌تری که فرزندآوری باخود می‌آورد، تربیت اصولی فرزندان می‌باشد. این امر جایگاه ویژه‌ای دارد و تربیت نیکوی هر فرزند می‌تواند تربیت یک نسل، تغییر یک ایدئولوژی، تحول در یک جامعه و یا بالعکس نابودی یک جامعه، سقوط یک فکر و... را در پی داشته باشد. مسئولیت یک بانوی متعهد در این موارد خلاصه نمی‌شوند و موارد ذکر شده هر کدام موارد جزئی‌تر فراوانی را به دنبال دارند و البته موارد دیگری هم وجود دارد که ما وارد آنها نمی‌شویم. در این مقاله از سلسله‌ی مسئولیت‌های زن بودن به بحث شاغل بودن اشاره جداگانه‌ای می‌شود تا بپردازیم به تیتراخبر «دورکاری مادران دارای فرزند دبستانی».



# سرویس خبری:







# HAWWA

quarterly Journal of Al-Zahra University Islamic Students Association  
Volume4.Issue20.December2021